

سوره الاحقاف

# حاضران به غایبان برسانند

مهدی نیلی پور





عنوان: حاضران به غایبان برسانند

نویسنده: مهدی نیلی پور

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی

ارزیاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین سید محمود

مرویان حسینی

ویراستار: زینب سادات حسینی

طراح جلد و صفحه آرا: عباس پرچمی

چاپخانه: موسسه فرهنگی قدس

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰۰

نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی،

مدیریت فرهنگی \* صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷

حق چاپ محفوظ است.







## مقدمه

پس از روز مبعث پیامبر اکرم ﷺ، برترین روز در تاریخ تمدن اسلامی و مکتب اهل بیت علیهم السلام، روز عید غدیر خم است؛ همچنان که در عید مبعث، رسول خدا صلی الله علیه و آله از طرف خدای رحیم به رسالت برانگیخته شدند، عید غدیر هم روزی است که حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه از طرف خداوند کریم، برای امامت و ولایت بر مؤمنین برانگیخته شدند و در واقع، این روز، سرآغاز امامت اهل بیت علیهم السلام است.

غدیر خم و قهرمان آن، بیش از آنکه حامی و دوست داشته باشد، دشمنان متنوع و متکثر دارد؛ چراکه تمامی جبهه شیطان و طاغوت‌ها در هر عصر و مصری، در برابر حقیقت غدیر صف کشیده‌اند و با انواع دسیسه‌ها و راهبردها و راهکارها، درصدد جلوگیری از رسیدن پیام این واقعه به انسان‌ها و نسل‌های بعدی هستند. این دشمنی‌ها، رسالت بزرگی را بر دوش غدیرباوران می‌گذارد تا با مجاهدتی خستگی‌ناپذیر در عرصه‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی، در کنار کار معرفتی و عملی، در تحقق بخشیدن به آرمان‌های والای غدیر و احقاق حقوق به‌تاراج‌رفته اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ بکوشند.






امروزه، غدیر یآوری به معنای کوشش برای دین‌داری فردی و همت‌گماردن برای اجرای حداکثری احکام دین، حمایت از عالمان وارسته دین و حکومت ولیّ فقیه و بالاخره انتظار و استغاثه برای فرج و ظهور امام عصر علیه السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی بر مبنای نظام امامت است. کتاب حاضر مروری است بر خطبه غدیر پیامبر و الامقام اسلام صلی الله علیه و آله که در آن، دوازده موضوع اساسی این خطبه واکاوی شده است. این نوشتار، به سفارش معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی و به مناسبت عید غدیر خم، در سال ۱۴۳۷ ق تهیه و حضور شما بزرگواران تقدیم می‌شود. امید آنکه خداوند همه ما را از غدیر باوران صادق و مجاهد و جرعه‌نوش کوثر ولایت قرار دهد.

مهدی نیلی‌پور

شهریور ۱۳۹۵، ذی‌حجه ۱۴۳۷



## فهرست

- ۷ ..... تعریف غدیر خم و واقعه‌نگاری ابلاغ آن
- ۸ ..... جدول واقعه‌نگاری ابلاغ غدیر
- ۱۰ ..... سند خطبه غدیر
- ۱۴ ..... نام‌های دیگر عید غدیر
- ۱۸ ..... پیام‌های غدیر و خطبه غدیر
- ۲۱ ..... غدیر: معرفی انسان ۲۵۰ ساله شایسته امامت
- ۲۹ ..... غدیرباوران و غدیریاوران
- ۳۳ ..... رسالت غدیریان
- ۳۷ ..... غدیرستیزان
- ۴۹ ..... حکومت ولیّ فقیه: استمرار جریان غدیر در دوران غیبت
- ۵۵ ..... غدیرخم و تبیین اندیشه و راهبرد تاریخی سیاسی شیعه
- ۶۵ ..... غدیرخم: معرفی پیشوایی معصومانه به‌درازای تاریخ
- ۶۹ ..... آیات الولاية در خطبه غدیره
- ۸۳ ..... کتابنامه
- ۷۶ ..... مسابقه فرهنگی
- ۸۶ ..... پرسش‌ها



## تعریف غدیر خم و واقعه نگاریِ ابلاغ آن

غدیر در زبان عربی به آبگیر یا آبی گویند که از خود، سیلی به جا می‌گذارد.<sup>۱</sup>

خم سرزمینی است میان مکه و مدینه، در نزدیکی جحفه<sup>۲</sup> که آبگیر غدیر در آن واقع شده است.<sup>۳</sup>

سرزمین غدیر خم در ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی رابغ<sup>۴</sup> و در فاصله ۲۵۰ کیلومتری شهر مکه قرار دارد. این مکان، در واقع چهارراهی است که حاجیان اهل سرزمین‌های مختلف، پس از بازگشت از حج، در آنجا از هم جدا می‌شوند. غدیر خم از شمال به مدینه، از شرق به عراق، از غرب به مصر و از جنوب به یمن منتهی می‌شود و امروزه، سرزمینی متروکه است.

به دلیل عظمت واقعه غدیر، مسلمانان و به‌ویژه شیعیان، در مکان غدیر خم مسجدی به نام مسجد غدیر بنا کرده بودند. در دهه‌های گذشته، این مسجد به دست دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام تخریب شده و اکنون جز ویرانه‌ای از آن باقی نمانده است.

۱. خلیل جر، فرهنگ لاروس، ترجمه سیدحمید طیبیان، ج ۲، ص ۱۵۱۸.

۲. جحفه از مواقیت پنج‌گانه‌ای است که آنانی که می‌خواهند از راه شام به مکه بروند، در آنجا مُحرم می‌شوند.

۳. محمدبن مکرم بن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۲۳.

۴. رابغ سرزمینی است بین ابواء و جحفه.

## جدول واقعه نگاری ابلاغ غدیر

ابلاغ کننده آسمانی	خداوند متعال، توسط جبرئیل
ابلاغ کننده زمینی	شخصیت اول ماجرای غدیر، پیامبر اکرم ﷺ
موضوع ابلاغ	معرفی علی بن ابی طالب (علیه السلام) و یازده امام پس از او (علیهم السلام) به عنوان جانشینان پیامبر اکرم ﷺ
مکان ابلاغ	سرزمین خم، در کنار غدیر و آبگیر، میان راه مکه به مدینه، در نزدیکی جحفه
زمان ابلاغ	پس از حجة الوداع، پنجشنبه، ۱۸ ذی حجه، سال دهم هجری
مخاطبان حضوری ابلاغ	حج گزاران از سرتاسر عالم اسلام
تعداد مخاطبان حاضر در غدیر	بیش از صد هزار نفر

۱. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۲.



تعداد مخاطبان  
غایب در غدیر

همهٔ انسان‌ها در طول تاریخ، بر اساس درخواست پیامبر اسلام ﷺ از حاضران، برای رساندن پیام غدیر به غایبان و نسل‌های بعدی: «فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»<sup>۱</sup>

هدف ابلاغ

تثبیت حکومت اسلامی با معرفی امام و خلیفهٔ پیامبر اکرم ﷺ

چگونگی ابلاغ

۱. به‌پا کردن منبری بزرگ از جهاز شترها؛  
۲. ایراد خطبه‌ای مفصل؛  
۳. معرفی حضرت علی (علیه السلام) و سلسلهٔ امامت، به‌عنوان پیش‌وایان دین با تمام اختیارات پیامبر اکرم ﷺ

شیوهٔ تثبیت ابلاغ

دعوت از حاضران برای بیعت با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

## من کنت که بر حیدر گزار رسیده است

### سند خطبه غدیر

در علم الحدیث، پیش از بررسی و پیام‌گیری و بهره‌برداری از متن و معنای حدیث، لازم است سند و اعتبار آن سنجیده و ارزیابی شود؛ از این رو، ابتدا باید سند خطبه غدیریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بررسی شود. صحت سند خطبه غدیر را از سه راه می‌توان اثبات کرد:

۱. بررسی محتوای خطبه غدیر و واکاوی صحت و سقم مطالبش، از راه تطبیق دادن آن با وقایع تاریخی و گزارش‌های مؤرخان: برای نمونه، اگر در خطبه غدیر، برای اثبات موضوع ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام از آیه

## حق است و سرانجام به حق دار رسیده است

سوم سوره مبارکه مائده استفاده شده است، می‌توان با مراجعه به نظر مفسران و شأن نزول این آیه، میزان صحت آن را بررسی کرد یا اگر در این خطبه فضائلی مانند اولین مسلمان بودن و اولین مجاهد راه خدا بودن، به حضرت علی (علیه السلام) نسبت داده شده است، می‌توان این نسبت‌ها را با مراجعه به دلایل تاریخی، در ترازوی سنجش قرار داد؛ آنگاه درباره صحت و سقم و سندیت خطبه غدیر به قضاوت نشست.

۲. مراجعه به نقل‌های متواتر تاریخی حدیث غدیر که راویان در طول قرن‌های متمادی گزارش کرده‌اند. این راویان، در این نقل‌ها به بخش‌هایی از خطبه غدیریه پرداخته‌اند که به صورت اجمالی، مؤید آن است.

حضرت آیت الله سبحانی (حفظه الله تعالی)، در کتاب ارزشمند فروغ ولایت فرموده‌اند:

در اهمیت این رویداد تاریخی، همین اندازه کافی است که حدود ۱۱۰ نفر صحابی، حدیث غدیر، یعنی اتفاقی که در حجة الوداع افتاده است و اعلام خبر امامت علی بن ابی طالب (علیه السلام) را نقل کرده‌اند؛ البته این مطلب به معنای آن نیست که از آن گروه زیاد، تنها همین افراد حادثه را نقل کرده‌اند؛ بلکه تنها در کتاب‌های دانشمندان اهل تسنن نام ۱۱۰ تن به چشم می‌خورد. درست است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سخنان خود را در اجتماع صد هزار نفری ایراد کردند؛ ولی گروه زیادی از آنان از نقاط دوردست حجاز بودند و از آنان حدیثی نقل نشده است. گروهی از آنان نیز که این واقعه را نقل کرده‌اند، تاریخ، موفق به درج آن نشده است و اگر هم درج کرده، به دست ما نرسیده است.

در قرن دوم هجری که عصر تابعان است، ۸۹ تن از آنان، به نقل این حدیث پرداخته‌اند. راویان حدیث در قرن‌های بعد، همگی از علما و دانشمندان اهل تسنن هستند و ۳۶۰ تن از آنان این حدیث را در کتاب‌های خود آورده‌اند و گروه زیادی به صحت و استواری آن اعتراف کرده‌اند.

در قرن سوم، ۹۲ دانشمند؛ در قرن چهارم، ۴۳ دانشمند؛ در قرن پنجم، ۲۴ دانشمند؛ در قرن ششم، ۲۰ دانشمند؛ در قرن هفتم، ۲۱ دانشمند؛ در قرن هشتم، ۱۸ دانشمند؛ در قرن نهم، ۱۶ دانشمند؛ در قرن دهم، ۱۴ دانشمند؛ در قرن یازدهم، ۱۲ دانشمند، در قرن

دوازدهم، ۱۳ دانشمند، در قرن سیزدهم، ۱۲ دانشمند و در قرن چهاردهم، ۲۰ دانشمند این حدیث را نقل کرده‌اند. گروهی نیز تنها به نقل حدیث اکتفا نکرده‌اند؛ بلکه دربارهٔ مفاد آن مستقلاً کتاب‌هایی نوشته‌اند.

طبری، مورخ بزرگ اسلامی، کتابی به نام الولاية فی طریق حدیث الغدير نوشته و این حدیث را از متجاوز از هفتاد طریق از پیامبر ﷺ نقل کرده است.

ابن عقده کوفی در رسالهٔ ولایت، این حدیث را از ۱۰۵ تن نقل کرده است. ابوبکر محمد بن عمر بغدادی، معروف به جعانی، این حدیث را از ۲۵ طریق نقل کرده است. تعداد کسانی که مستقلاً پیرامون خصوصیات این واقعهٔ تاریخی کتاب نوشته‌اند، [نیز] ۲۶ نفر است. دانشمندان شیعه دربارهٔ این واقعهٔ بزرگ کتاب‌های ارزنده‌ای نوشته‌اند که جامع‌تر از همهٔ کتاب تاریخی الغدير است که به‌خامهٔ توانای نویسندهٔ نامی اسلامی، علامهٔ مجاهد، مرحوم آیت‌الله امینی نگارش یافته است.<sup>۱</sup>

۲. نقل عین خطبهٔ غدیر از سوی محدثان بزرگوارى مانند: طبرسی در کتاب الإحتجاج علی اهل اللجاج، جلد ۱، صفحهٔ ۵۵ و سیدبن طاووس در کتاب إقبال الأعمال، جلد ۱، صفحهٔ ۵۶ و علامهٔ مجلسی در کتاب بحار الأنوار، جلد ۳۷، صفحهٔ ۲۰۴.

۱. جعفر سبحانی تبریزی، فروغ ولایت، ص ۱۴۶.

۲. برای توضیح و تحقیق بیشتر، به درگاه اینترنتی خطابهٔ غدیر، بخش ویکی‌خطابه که به تطبیق عبارات خطبهٔ غدیر با احادیث مشابه دیگر پرداخته است و نیز قسمت پاسخ به سؤالات در موضوع سند خطبهٔ غدیر مراجعه فرمایید؛ همچنین می‌توانید به درگاه اینترنتی تبیان در موضوع مدارک متن کامل خطبهٔ غدیر مراجعه کنید.

## نام‌های عید سعید غدیر

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام برای عید غدیرخم، بیش از پنجاه نام ذکر شده است که ما در اینجا تنها به بیان دوازده نام بسنده می‌کنیم.

نام‌های دیگر عید غدیر	متن روایت
۱. عید بزرگ خدا	قال الصادق <small>علیه‌السلام</small> : «... وَهُوَ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ.» <sup>۱</sup> (عید غدیر، عید بزرگ خداست.)
۲. روز به خاک مالیده‌شدن چهره شیطان	قال الرضا <small>علیه‌السلام</small> : «... وَ يَوْمٌ مَرَعَمَةَ الشَّيْطَانِ.» <sup>۲</sup> (روز غدیر روز به خاک مالیده‌شدن چهره شیطان است.)
۳. روز خنده در چهره مؤمنین	قال الرضا <small>علیه‌السلام</small> : «وَهُوَ يَوْمُ التَّبَسُّمِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ.» <sup>۳</sup> (عید غدیر روز لبخند زدن در چهره مردم است.)
۴. روز زینت و آراستگی	قال الرضا <small>علیه‌السلام</small> : «وَ هُوَ يَوْمُ الزَّيْنَةِ.» <sup>۴</sup> (روز غدیر، روز زینت و آراستگی است.)
۵. روز راهنمایی و هدایت	قال الرضا <small>علیه‌السلام</small> : «هَذَا يَوْمُ الْإِشَادِ.» <sup>۵</sup> (این روز، روز راهنمایی و هدایت است.)

۱. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۷۶.

۲. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۴.

۳. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۵.

۴. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۴.

۵. محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعبد.

و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۷۵۶.

۶. روز اطعام و مهمانی دادن

قال الرضا عليه السلام: «وَمَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ.»<sup>۱</sup> (هرکه در این روز مؤمنی را اطعام کند، مانند آن است که همه پیامبران و صدیقین را اطعام کرده است.)

۷. روز صلوات

قال الرضا عليه السلام: «...يَوْمُ إِكْتَارِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.»<sup>۲</sup> (روز غدیر، روز زیاد صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام است.)

۹ و ۸. روز کامل شدن دین و اتمام نعمت

قال الرضا عليه السلام: «هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ وَ أَتَمَّ عَلَى أُمَّتِي فِيهِ النُّعْمَةَ.»<sup>۳</sup> (غدیر روزی است که خدا در آن، دین را کامل و نعمت را بر امت من تمام کرد.)

۱. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۵.

۲. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۴.

۳. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۶.

۱۰. یوم الزیادة

قال الرضا عليه السلام: «هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَزِيدُ اللَّهُ فِي حَالِ مَنْ عَبَدَ فِيهِ وَ وَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ وَ نَفْسِهِ وَ إِخْوَانِهِ.»<sup>۱</sup> (غدیر روزی است که خداوند بر حُسن حال بنده‌ای که در آن روز خدا را عبادت کرده و برای خود و خانواده و برادران دینی‌اش گشایش ایجاد کند، می‌افزاید.)

۱۱. روز انتشار علم

قال الرضا عليه السلام: «وَ هُوَ يَوْمَ نَشْرُ الْعِلْمِ.»<sup>۲</sup> (روز غدیر، روز نشر دادن دانش است.)

۱. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۲۶۰.

۲. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۲۶۰.



قال الرضا عليه السلام: «وَهُوَ يَوْمُ التَّهْنِئَةِ يُهْنَى  
بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَإِذَا لَقِيَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ يَقُولُ  
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ  
بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةِ عليه السلام»»<sup>۱</sup> (غدیر  
روز تهنیت گفتن است که برخی از شما باید  
به برخی دیگر مبارک باد و تهنیت گویند؛  
پس چون مؤمنی برادرش را ملاقات کرد،  
بگوید: «ستایش خدایی را که ما را از  
تمسک‌کنندگان به ولایت امیرمؤمنان و  
دیگر امامان عليه السلام قرار داد.»)

۱۲. روز تهنیت و  
شادباش

۱. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۴.

## پیام‌های غدیر و خطبه غدیر

از خطبه غدیر می‌آموزیم:

- ❖ امامت امتداد خط رسالت است.
- ❖ امامت همچون نبوت، مسئله‌ای غیبی، آسمانی، وحیانی و انتصابی است.
- ❖ امامت موجب صیانت از قرآن و دیانت است.
- ❖ نظام امامت تمام‌کننده دیانت است.
- ❖ امامت کامل‌کننده امر رسالت است.
- ❖ پیوند با امامت، شرط اصلی دیانت است.
- ❖ بریدن از امامت، سبب استیلاي شرک و نفاق است.
- ❖ پیروی از ولایت و پذیرش امامت، خواسته پیامبر اکرم ﷺ است.
- ❖ غدیر خم گره‌زدن امر رسالت به مسئله امامت است.
- ❖ غدیر معرفي انسان ۲۵۰ساله معصوم، برای هدایت بشر است.
- ❖ غدیر پیامی هدایت‌ساز برای دوران غیبت است.
- ❖ غدیر تجلی مستمر هدایت است.
- ❖ سربلندی از راه غدیر، سقوط در چاه ضلالت است.
- ❖ ولایت قلب‌تپنده دیانت است.

## از واقعه غدیر می آموزیم:

- ❖ امامت جریانی صالح در بستر تاریخ برای هدایت انسان‌هاست.
- ❖ غدیر خم معرفی آغاز و انجام امامت است.
- ❖ مهم‌ترین پیام غدیر برای نسل امروز، پیام مهدویت است.
- ❖ مهم‌ترین درخواست پیامبر اکرم ﷺ، بیعت مردم با نظام امامت است.
- ❖ غدیر خم طلیعه معرفتی سلسله طیبه امامت، از علی علیه السلام تا مهدی عج است.
- ❖ قرآن و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، دو گوهر و دو یادگار و دو امانت رسول مکرم اسلام ﷺ هستند.
- ❖ منافقان کینه‌ورزان نظام امامت و ولایت‌اند.
- ❖ پیامبر اکرم ﷺ از خدا برای مخالفان علی علیه السلام جز لعن و نفرین، چیزی نخواستند: «عَادِمَنْ عَادَاهُ وَ... مَنْ خَذَلَهُ.»
- ❖ سفارش به ولایت و امامت، جز و آخرین سفارشات رسول معظم ﷺ است.
- ❖ دین بدون حکومت و ولایت، دینی ناقص و ناکارآمد است.

❖ ابلاغ پیام غدیر خم، وظیفه‌ای همگانی و برای همه نسل‌ها و عصرهاست.

❖ ابلاغ پیام غدیر خم، کاری پیامبرگونه است.

❖ امامت همان بیعت با ولایت است و ولایت همان سیاست پاک و معصومانه.

❖ از منظر پیامبر اکرم ﷺ سیاست عین دیانت است و از دیدگاه اهل سقیفه، سیاست غیر دیانت.

❖ حاکمیت امویان و عباسیان، هزینه‌های جبران‌ناپذیر جدا کردن امام از حوزه سیاست است.

❖ مهم‌ترین پیام غدیر، جدایی‌ناپذیری سیاست از دیانت است.

❖ مهم‌ترین اثر غدیر، هم‌افزایی دو حوزه قدرت دیانت و سیاست است.

❖ سرسخت‌ترین دشمن طرح اجرایی غدیر و ولایت، منافقین تشنه قدرت‌اند.

## غدیر؛ معرفی انسان ۲۵۰ ساله شایسته امامت

غدیرخم یا همایش بزرگ تاریخی امامت، روز معرفی چهره‌های تابناک و شایسته‌ای است که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، لیاقت بهره‌مندی از ولایت معنوی و سیاسی و اجتماعی و دینی بر مردم را دارند. در روز غدیرخم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انسان ۲۵۰ ساله‌ای را معرفی کردند که در مقاطع مختلف تاریخ، رهبری امت اسلامی را برعهده دارد و امت اسلام باید با او دست بیعت دهد و از او پیروی کند.

شایستگی‌های اهل بیت علیهم‌السلام تا به آن حد با عظمت و بی‌شمار است که نه فقط غدیر، افتخار و شرافت آنان حساب نمی‌شود که ایشان، سبب ایجاد غدیر و موجب افتخار و شرافت بخشیدن به واقعه غدیرند. امام خمینی رحمته‌الله در این باره فرموده‌اند:

مسئله غدیر، مسئله‌ای نیست که بنفسه برای حضرت امیر یک مسئله‌ای پیش بیاورد: حضرت امیر مسئله غدیر را ایجاد کرده است. آن وجود شریف که منبع همه جهات بوده است، موجب این شده است که غدیر پیش بیاید. غدیر برای ایشان ارزش ندارد. آن که ارزش دارد، خود حضرت است که دنبال آن ارزش، غدیر آمده است. خدای تبارک و تعالی که ملاحظه فرموده است که در بشر بعد از رسول الله کسی نیست که بتواند عدالت را به آن طوری که باید انجام بدهد [و] آن طوری که دلخواه است، انجام بدهد، مأمور می‌کند رسول الله را که این شخص را که قدرت این معنا را دارد که عدالت را به تمام معنا در جامعه ایجاد کند و یک حکومت الهی داشته باشد، این را نصب کن. نصب حضرت امیر به خلافت، این طور نیست که از مقامات معنوی حضرت باشد. [از] مقامات معنوی حضرت و مقامات جامع او این است که غدیر پیدا بشود و اینکه در روایات ما و از آن زمان تا حالا، این غدیر را آن قدر از [آن] تجلیل کرده‌اند، نه از باب این [است] که حکومت یک مسئله‌ای است: [نه] حکومت آن است که حضرت امیر به ابن عباس می‌گوید که: «به قدر این کفش بی‌قیمت هم پیش من نیست!»<sup>۱</sup> آنکه هست، اقامه عدل است. آن چیزی که حضرت امیر (سلام الله علیه) و اولاد

او می‌توانستند در صورتی که فرصت به ایشان بدهند، [انجام بدهند] اقامهٔ عدل [است]... به آن طوری که خدای تبارک و تعالی رضا دارد. ...؛ لکن فرصت نیافتند.<sup>۱</sup>

بخش زیادی از خطبهٔ غدیریهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دربارهٔ تبیین و معرفی شخصیت بی‌بدیل حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و دیگر پیشوایان دین و بیان شایستگی‌های والای معصومین علیهم السلام در تصدی مقام امامت و رهبری امت است؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خطبهٔ غدیر با سه شیوه در پی بسترسازی برای پذیرش ولایت و اثبات امامت معصومین علیهم السلام بودند:

## ۱. شیوهٔ تعبّدی

در این روش، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با بهره‌گیری از آیات قرآن، به تبیین موضوع انتصاب امیرالمؤمنین علیه السلام به امامت از جانب خداوند و لزوم اعلام این مهم می‌پردازند؛ برای نمونه فرمودند:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنْ الْإِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِيِّ وَلِيِّكَ عِنْدَ تَبْيَانِي ذَلِكَ وَ نَصَّبِي إِيَّاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِكَ وَ رَضِيتَ لَهُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَقُلْتُ وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا أَنِّي قَدْ بَلَّغْتُ.<sup>۲</sup>

پروردگارا، بنا بر همانچه خود فرمودی، اعلام داشتم که امامت پس از من، برای علی بن ابی طالب است و او را به این مقام منصوب کردم تا شریعتت را برای بندگان به کمال رسانی و نعمتت را برایشان

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفهٔ امام، ج ۲۰، ص ۱۱۲، به نقل از نرم‌افزار صحیفه، امام نسخه ۳.

۲. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۱.

تمام کنی و اسلام را دین آنان بپسندی که خود در قرآن فرموده‌ای: «و هر که جز اسلام دینی بجوید، هرگز از او پذیرفته نشود و او در آخرت از زیانکاران است.» پروردگارا! تو را گواه می‌گیرم و تو را این شهادت بس که تبلیغ خود را انجام دادم.



وَأُوحِيَ إِلَيَّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْآيَةَ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا قَصَرْتُ عَنْ تَبْلِيغِ مَا أُنزِلَهُ وَ أَنَا مُبِينٌ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ إِنَّ جَبْرِيْلَ (عَلَيْهِ السَّلَام) هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَ هُوَ السَّلَامُ أَنْ أَقَوْمَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ وَ أَعْلِمَ كُلَّ أُنْبِيٍّ وَ أَحْمَرَ وَ أَسْوَدَ أَنْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي الَّذِي مَحَلَّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ يُؤَيِّدُكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ!

و به من چنین وحی فرموده است: «به نام خداوند بخشایشگر مهربان. ای پیامبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد، برسان که اگر نرسانی، تبلیغ رسالت او را نکرده‌ای و خدا تو را از مردم محفوظ خواهد داشت.» ای گروه مردم، اینک من در تبلیغ آنچه خداوند بر من نازل فرمود، کوتاهی نکردم و برای شما سبب نزول این آیه را بیان می‌کنم. بدانید که جبرئیل (علیه السلام) سه بار به حضور من آمد و از سوی پروردگار من که اصل و مایهٔ سلام است، به من امر کرد که در چنین اجتماعی به‌پا خیزم و به همهٔ افراد، سیاه و سپید، اعلام کنم که علی بن ابی‌طالب برادر و جانشین و وصی و امام بعد از من





است؛ یعنی کسی که منزلت و محلّ او نسبت به من، منزلت و محلّ هارون نسبت به موسی است؛ جز اینکه پس از من پیامبری نیست و همانا پس از خدا و رسول خدا، علی ولیّ شماس است.

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَ عَلَى الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ وَ عَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ وَ عَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ جَائِزٌ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ.<sup>۱</sup>

پس ای گروه مردم، بدانید که خداوند متعال علی بن ابی طالب را بر شما ولی و امام قرار داده و اطاعت او را به نیکویی بر تمام گروه‌های مهاجر و انصار و تابعین آنان، حاضر و غایب، عرب و عجم، کوچک و بزرگ، عبد و آزاد و بر هر خداپرست واجب فرموده است. فرمان او درخور اجرا و سخنش مقبول و امرش نافذ است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وِرَاثَةً فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ قَدْ بَلَّغْتُ مَا بَلَّغْتُ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ.<sup>۲</sup>

ای مردم، همانا من امامت را به صورت وراثت تا روز رستاخیز در اعقاب خود به ودیعه می‌سپرم و به تحقیق آنچه را باید تبلیغ کنم، تبلیغ کردم و این حجّت است برای هر حاضر و غایب.

۱. احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۵۹.

۲. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶.

## ۲. شیوه تعقلی

در روش تعقلی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با استفاده از راهکار اقناعی و بیان فضایل و ویژگی‌های منحصر به فرد حضرت علی علیه السلام و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام و نیز با توجه به قاعده ترجیح راجح بر مرجوح و فاضل بر مفضول، زمینه پذیرش عقلایی امامت حضرات اهل بیت علیهم السلام را فراهم آوردند. برخی از ویژگی‌های امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله عبارت است از:

۱.۲. علی، اول مؤمن به خدا و رسالت رسول او و فدایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:  
«إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِنَفْسِهِ.»<sup>۱</sup> (او اولین کسی بود که به خدا و رسولش ایمان آورد و خود را فدای رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد.)

۲.۲. علی بهترین یاور و عزیزترین و نزدیکترین و سزاوارترین فرد به رسول خدا صلی الله علیه و آله: «مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيٌّ أَنْصَرَكُمْ لِي وَ أَحَقُّكُمْ بِي وَ أَقْرَبَكُمْ إِلَيَّ وَ أَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ.»<sup>۲</sup> (ای مردم، این علی است: یاورترین فرد از میان شما برای من و سزاوارترین شما به من و نزدیکترین و عزیزترین فرد نزد من است و خداوند عزّ و جل و من از او راضی هستیم.)

۳.۲. علی یاور دین، باتقوا، پاک، هدایتگر و هدایت‌پذیر و بهترین جانشین:  
«مَعَاشِرَ النَّاسِ هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَ الْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَ هُوَ التَّقِيُّ التَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي نَبِيَّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَ وَصِيَّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَ بَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ.»<sup>۳</sup>

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۰۸.

۲. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۱.

۳. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۱.

(ای مردم، او کمک کار دین خدا و مدافع رسول است. او تقی، نقی، هادی و مهدی است. پیامبر شما بهترین پیامبران و وصی او بهترین اوصیا و فرزندان او بهترین جانشینان اند.)

۴.۲. علی وصف شده به صبر و شکر: «إِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمُؤْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ»<sup>۱</sup> (همانا علی علیه السلام به صبر و شکرگزاری وصف شده است.)

۵.۲. علی علیه السلام وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و مهدی عجل الله فرجه انتقام گیرنده از ستمگران: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَصِيٌّ أَلَا إِنَّ خَاتِمَةَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَ هَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ الشُّرُكِ.»<sup>۲</sup> (ای مردم، من پیامبر هستم و علی وصی من است. همانا مهدی قائم که خاتم امامان است، از ماست. اوست که دین را آشکار می کند و از ستمگران انتقام می گیرد. همانا او گشاینده و ویرانگر دژهاست و اوست که تمام فرقه های مشرکان را شکست می دهد.)

### ۳. شیوه تبشیری و اندازی

در این روش، رسول خدا صلی الله علیه و آله با بشارت به پاداش بزرگ ولایت مداری و اعلام خطر و عذاب برای ولایت گریزان، درصدد اثبات امامت شایستگان هستند و می فرمایند:

۱.۳. «مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنْذِرْكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ.»<sup>۳</sup> (ای مردم، شما را بیم می دهم که من فرستاده خدا هستم که پیش از من نیز

۱. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۲.

۲. محمدین احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۷.

۳. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۲.

فرستادگانی بوده‌اند.)

۲.۳. «مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَابِئُوعُوا عَلَيَّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً يَهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى وَ ﴿فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾<sup>۱</sup>»<sup>۲</sup> (ای گروه مردم، از خدا پروا کنید و با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان بیعت کنید که مانند سخن پاکیزه و پایدارند و بدانید خداوند پیمان‌شکنان را هلاک می‌کند و وفاداران را مشمول رحمتش قرار می‌دهد؛ «پس هرکه پیمان بشکند، جز این نیست که به زیان خویش می‌شکند و هرکه بر عهد خود با خدا وفادار بماند، به‌زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد.»)

عَلَيْهِ  
الْحَمْدُ

روزگار باوران و غدیر باوران

## غدیر باوران و غدیر باوران

از آغازین روز اعلام رسمی امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، انسان‌های سلیم‌النفس و پاکی که فطرت‌هایی الهی و ولایی داشتند، با بیعت صادقانه با حضرت علی (علیه السلام) و پذیرش ولایت و سرپرستی آن حضرت، در گروه غدیر باوران جای گرفتند. اینان سخن و حیاتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دربارهٔ جانشینی امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به‌عنوان اندیشه‌ای دینی و باوری الهی، در ذهن و دل خویش تثبیت کرده‌اند. غدیر باوران کسانی هستند که پیام غدیر را به‌روشنی دریافته‌اند و موانع درونی مانند کبر، کینه، نفاق و حسادت و نیز موانع تبلیغاتی بیرونی مخالفین ولایت و جبههٔ شیاطین، آن‌ها را از دریافت این پیام باز نداشته است.

هرچند در طول تاریخ، شمار غدیر باوران اندک بوده است،

همه آنها شخصیت‌هایی تأثیرگذار و برجسته بوده‌اند.

از آنجا که پیام غدیر، فقط به حوزه اعتقادی و قلبی محدود نمی‌شود و با حوزه حکومت و سیاست نیز ارتباط دارد، در کنار غدیرباروی، غدیریاوری نیز شرط دیگر دریافت کامل پیام غدیر است. غدیریاوران انسان‌هایی شجاع، زمان‌شناس و با بصیرت هستند که در یاری امیرالمؤمنین (علیه السلام) و دیگر پیشوایان دین، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند و با بیعت با ائمه زمان خویش حاضرند از مال و جانشان برای تحقق اهداف والای نظام امامت بگذرند.

در دوره امیرالمؤمنین (علیه السلام)، غدیرباوران غدیریاور علاوه بر وجود مقدس حضرت زهرا (علیها السلام) و خاندان رسالت، افرادی مانند سلمان، ابوذر، مالک اشتر و عمار یاسر بودند؛ اما در مقاطع بعدی، با شکوه‌ترین و نام‌آورترین غدیریاوران در طول تاریخ، همان اصحاب سیدالشهداء (علیهم السلام) بودند که در حرکتی حماسی و نهضتی ماندگار، با ارائه الگویی تمام‌عیار، غدیریاوری را در دفتر تاریخ ثبت کردند. پس از آنان، همه مصلحان و مجاهدان و شهدای دوستدار اهل بیت (علیهم السلام) در طول تاریخ از غدیرباوران و غدیریاوران هستند که برای دفاع از ولایت در میدان عمل قدم گذاشته و با تلاش برای ترویج حاکمیت مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، تا آخرین نفس فداکاری و جان‌فشانی کرده‌اند. از جمله ایشان می‌توان به شهدای راه فضیلت، یعنی علمای راستین و مجاهدان خستگی‌ناپذیر اشاره کرد که در دفاع علمی و عملی از ولایت، سنگ تمام گذاشته‌اند. این گروه وفادار همان کسانی‌اند که از دعای مستقیم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بهره‌مند می‌شوند؛ زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خطبه غدیریه فرمودند: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ

وَ أَخَذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.»<sup>۱</sup> (بار خدایا، دوست بدار هرکه او را دوست بدارد و دشمن بدار هرکه او را دشمن بدارد و یاری کن هرکه او را یاری کند و واگذار هرکه او را واگذارد و دست از یاری اش بردارد!)

پیامبر اکرم ﷺ در جای جای خطبه غدیر، از غدیرباوران و غدیریاوران با تعبیر گوناگون یاد کرده‌اند:

۱. «فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وِلياً وِ إِمَاماً مُفْتَرَضاً طَاعَتَهُ... عَلَى كُلِّ مَوْحِدٍ... مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ مُؤْمِنٌ مَنْ صَدَقَهُ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ.»<sup>۲</sup> (پس ای گروه مردم، بدانید که خداوند متعال علی بن ابی طالب را بر شما ولی و امام قرار داده است و اطاعت او را... بر هر خداپرست واجب فرموده است... مخالف او ملعون و پیرو او مشمول رحمت خداوند است و هرکه او را تصدیق کند و به او گوش بسپارد و از او اطاعت کند، مشمول غفران خداوند می‌شود.)

۲. «مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضَّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ وَ أَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.»<sup>۳</sup> (ای گروه مردمان، علی را برتری دهید که خدا او را برتر قرار داده است و او را بپذیرید که خدا او را [به امامت] نصب کرده است.)

۳. لَا يُوَالِي عَلِيّاً إِلَّا تَقِيٌّ وَ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ.»<sup>۴</sup> (ولایت علی را نمی‌پذیرد، مگر انسان باتقوا و به او ایمان نمی‌آورد، مگر هر مؤمن باخلاصی.)

۴. «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَ نَهَانِي وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلِيّاً وَ نَهَيْتُهُ وَ عَلَيْهِ الْأَمْرُ

۱. محمدبن محمد مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۷۶.

۲. احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۵۹.

۳. احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۰.

۴. علی بن موسی بن طاووس، التحصین لأشرف ما زاد من کتاب الیقین، ص ۵۸۵.



وَ النَّهْيُ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ وَ انْتَهُوا لِنَهْيِهِ وَ صَبِرُوا إِلَىٰ مُرَادِهِ وَ لَا تَتَفَرَّقْ بِكُمْ السَّبِيلُ عَنْ سَبِيلِهِ.»<sup>۱</sup> (ای مردم، همانا خداوند به من امر ونهی کرده است. من نیز علی را امر ونهی کرده‌ام و بر علی است که از جانب خدای عزّ و جل فرمان دهد و باز دارد؛ پس فرمان علی را گوش داده و از نهی او باز ایستید و طبق خواسته او حرکت کنید و راه‌های متفرقه، شما را از پیمودن راه او باز ندارد.)

۵. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَقَالَ ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ﴾»<sup>۲، ۳</sup> (و همانا دوستداران ایشان [یعنی آنان که اهل بیت علیهم‌السلام را دوست دارند] همان مؤمنانی هستند که خداوند در کتاب خود، از آنان یاد کرده و فرموده است: «[ای رسول] هرگز مردمی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند، نخواهی یافت که با دشمنان خدا و رسول او دوستی کنند.»

۶. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ... بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾»<sup>۴، ۵</sup> (همانا دوستداران ایشان [یعنی آنان که اهل بیت علیهم‌السلام را دوست دارند] کسانی هستند که خدای عزّ و جل درباره آنان فرموده است: «بدون حساب وارد بهشت می‌شوند.»)

۱. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶.  
 ۲. مجادله، ۲۲.  
 ۳. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶.  
 ۴. غافر، ۴۰.  
 ۵. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۷.





## رسالت غدیریان

قال رسول الله ﷺ: «فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»<sup>۱</sup>  
(پس باید تا روز قیامت این پیام را حاضر به غایب و پدر به فرزند  
برساند.)

مراد از غدیریان، دریافت کنندگان پیام غدیرند؛ یعنی علی باوران  
علی‌یاور و طرفداران نظام شایسته امامت و ولایت که به اهل بیت علیهم السلام  
و مکتب آسمانی ایشان وفادارند. غدیریان به‌طورکلی دو رسالت تاریخی  
برعهده دارند:

### اول: رسالت علمی و معرفتی

این رسالت که بیشتر ناظر به تلاش‌های علمی و معرفتی است، شامل  
چند حرکت علمی می‌شود:

۱. معرفت‌شناسی امام و نظام امامت و اعتقاد به جدایی‌ناپذیری دین  
از سیاست؛

۲. معرفت‌شناسی غدیر به‌عنوان جریانی تاریخی؛

۱. احمدین‌علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۲.

۳. شناخت و شناساندن دلایل قرآنی و روایی واقعه غدیر، به‌ویژه خطبه غدیریۀ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛

۴. رساندن پیام اصلی غدیر، یعنی کفر به طاغوت‌های زمانه و دفاع از دیانت آمیخته با سیاست پاک، به دیگران.



## دوم: رسالت عملی

رسالت عملی غدیریان در ابعاد مختلف تعریف می‌شود و هریک از این ابعاد، خود شامل چند وظیفه است که در زیرمجموعه آن بیان می‌شود:

### ۱. رسالت فردی

الف. مطالعه دقیق واقعه غدیر و خطبه غدیریۀ؛

ب. تلاش برای اجرای پیام غدیر در زندگی شخصی، با برگزیدن سبک زندگی علوی؛

ج. بزرگداشت واقعه غدیر در زندگی شخصی، با استفاده از لباس نو، عطر زدن، ابراز شادی و... در این روز؛

د. نوشتن کتاب و مقاله و سرودن شعر و خلق آثار هنری متناسب با واقعه غدیر؛

و. مطالعه و نشر فضائل امام علی علیه السلام و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام.

### ۲. رسالت خانوادگی

الف. ابلاغ پیام غدیر به اعضای خانواده؛

ب. برپایی جشن‌های خانوادگی به مناسبت عید سعید غدیر؛

ج. بزرگداشت عید سعید غدیر در میان خانواده و خویشان، با اهدای هدیه، اطعام، چراغانی و آذین‌بندی، شادکردن خانواده و خواندن عقد اُخوّت.

### ۳. رسالت اجتماعی

- الف. برپایی جشن‌های باشکوه عید سعید غدیر در سطح جامعه؛
- ب. شادکردن عموم مردم با اجرای برنامه‌هایی چون اطعام، آذین‌بندی خیابان‌ها و اهدای هدیه به‌ویژه کتاب‌هایی دربارهٔ واقعهٔ غدیر به دیگران؛
- ج. تبلیغ و فرهنگ‌سازی عمومی برای شناخت پیام واقعهٔ غدیر؛
- د. تلاش عملی برای حاکمیت‌بخشی احکام اسلام؛
- هـ. تقویت روحیهٔ انتظار و استغاثه برای تعجیل در ظهور حضرت ولّی عصر علیه السلام و تشکیل حکومت جهانی امامت؛
- و. دفاع عملی از حاکمیت نظام ولایت فقیه و حکومت‌های عادل در هر زمان از دوران غیبت.



و

و

و

و بحافضه اللسان  
الفرقة الموقرة  
التي جعلت  
تسبب العبد  
سبحان

المتضى

## غدیرستیزان

پیام اصلی غدیر، روی کارآمدن دولتی با ساختار سیاسی ولایی و دینی، به رهبری امامانی معصوم است. از همان آغاز اعلام رسمی امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در غدیرخم، برای از بین بردن این پیام الهی، مخالفت‌هایی آشکار و پنهان در ابعاد فرهنگی، تبلیغی، سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی شکل گرفت.

گام نخست غدیرستیزی، با غضب فدک، غضب ۲۵ ساله خلافت، جلوگیری از نشر احادیث اهل بیت (علیهم السلام)، به شهادت رساندن حضرت زهرا (علیها السلام)، تحمیل سه جنگ خانمان‌سوز جمل و صفین و نهروان بر امیرالمؤمنین (علیه السلام)، به شهادت رساندن امام مجتبی (علیه السلام) و سبب‌سازی برای فاجعه عاشورا و نسل‌کشی از ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شروع شد؛ اما نتیجه دسیسه‌های دامنه‌دار مخالفان غدیر، به قدرت رسیدن حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس و دیگر ناصالحان بر امت اسلام شد.

غدیرستیزان در شکل‌های گوناگون و در قالب مکاتب فکری و گروه‌های سیاسی و اجتماعی و نظامی مختلف، اما با هدفی مشترک که همان سلب حق حاکمیت سیاسی اهل بیت (علیهم السلام) و حاکمانی عادل در عصر غیبت است، به رویارویی با نظام امامت پرداختند. بدون شک، این حرکت و ستیز آن‌ها، با تأثیرات منفی و پیامدهای مخرب فراوانی برای امت اسلام همراه بوده است که در همین راستا،

پیامبر اکرم ﷺ در خطبه غدیریه، مخالفان امیرالمؤمنین (علیه السلام) و غدیرستیزان را به انواع بلاها و غضب الهی و عذاب‌های اخروی تهدید کرده‌اند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَ لَا يَتَّهَ وَ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا شَدِيدًا نُكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهَرَ الدُّهُورِ فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ.<sup>۱</sup>

ای گروه مردمان، او امامی است از جانب خدا و خدا توبه منکر ولایت او را نمی‌پذیرد و به یقین خداوند چنین کسی را نمی‌آمرزد و بر خداست که این‌گونه برخورد کند با کسی که با امر او درباره‌ی علی مخالفت کند و بر خداست که به شدت و تا ابد، چنین کسی را عذاب کند؛ پس از مخالفت با علی دوری کنید!

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضَلُّوا عَلَيًّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْتَى بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَ بَقِيَ الْخَلْقُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَعْضُوبٌ مَعْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَ لَمْ يُؤَافِقْهُ إِلَّا إِنْ جَبَّرَيْلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَ يَقُولُ مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَ لَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي ﴿لَتَنْظُرُنَّ نَفْسٌ مَا قَدَمْتُ لِعَدِي وَ اتَّقُوا اللَّهَ﴾<sup>۲</sup> أَنْ تُخَالِفُوهُ ﴿فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا﴾<sup>۳</sup> ﴿إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾<sup>۴</sup> ۵.

ای گروه مردم! علی را برتری دهید که او پس از من از هر مرد و زنی افضل است. خداوند به پاس ما روزی فرومی‌فرستد و خلق



۱. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۰.

۲. حشر، ۱۸.

۳. نحل، ۹۴.

۴. حشر، ۱۸.

۵. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۰.

را باقی می‌دارد. نفرین شده است، نفرین شده است، مغضوب است، مغضوب است، مغضوب است هرکه این گفتار مرا رد کند و با آن موافقت نکند!... پس «هرکه بنگرد که برای فردای قیامتش چه چیزی از پیش فرستاده است و از خدا بترسید» که مخالفت کنید. چه بسا قدم‌هایی که پس از استواری بلغزد؛ «به‌درستی که خداوند به آنچه می‌کنید، آگاه است».

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ وَ أَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمْ.<sup>۱</sup>

ای مردم، به‌زودی پس از من پیشوایانی خواهند آمد که به‌سوی آتش دعوت می‌کنند و اینان در روز قیامت هیچ یآوری ندارند. ای مردم، خدا و من از اینان بیزاریم.

بر اساس پژوهش تاریخی، غدیرستیزان در طول تاریخ، بیشتر دو گروه عمده بوده‌اند:

### ۱. منافقین منصب‌طلب

در سخنی کوتاه می‌توان همه جریان غدیرستیزی و غدیرستیزان را در واژه نفاق خلاصه کرد. پیامبر اکرم ﷺ در خطبه غدیریه، بارها و بارها، به موضوع شوم نفاق و منافقان اشاره کرده و خطر این جریان ضد دین را به امت گوشزد کرده‌اند:

سَأَلْتُ جَبْرَيْلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَ كَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَ إِذْغَالِ الْإِثْمِينَ وَ حَتْلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ

۱. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۲.



بِالإِسْلَامِ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ ﴿يَقُولُونَ بِالسِّتِيهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾<sup>۱</sup> وَ يَحْسَبُونَهُ ﴿هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ﴾<sup>۲</sup> وَ كَثْرَةَ أَذَاهُمْ لِي فِي غَيْرِ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أَذْنًا وَ رَعَمُوا أُنِّي كَذَلِكَ لِكثْرَةِ مَلَازِمَتِهِ إِيَّايَ وَ إِقْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا ﴿وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ<sup>۳</sup> عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ﴾ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ<sup>۴</sup> وَ لَوْ شِئْتَ أَنْ أُسَمِّيَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَ أَنْ أُؤْمِيَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ وَ أَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ وَ لَكِنِّي وَ اللَّهُ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ وَ كُلَّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ ثُمَّ تَلَا ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ فِي عَلَيٍّ ﴿وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾<sup>۵، ۶</sup>

در ابتدای امر از جبرئیل خواستم که مرا از ابلاغ این پیام به شما مردم معذور بدارد؛ [زیرا] از کمی تقوایندگان و زیادی منافقان و نیرنگ گناهکاران و فریب مسخره کنندگان اسلام آگاه بودم؛ همان‌ها که خداوند در کتابش وصف کرده است و می‌فرماید: «با زبان‌هایشان چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست» و می‌پنداشتند «آن سخنی کوچک است؛ درحالی‌که نزد خداوند، عظیم است» و [نه يك بار، بلکه]

۱. فتح، ۱۱.

۲. نور، ۱۵.

۳. توبه، ۶۱.

۴. توبه، ۶۱.

۵. مانند، ۶۷.

۶. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۵۹.



همواره مرا بسیار می‌آزردند و شدت آزارم را به آنجا رساندند که مرا اُذُن (زودباور) نامیدند و گمان کردند به علت همراهی زیاد علی با من و عنایت من به او، این چنین هستم؛ تا اینکه خداوند عزّ و جل این آیه را نازل فرمود: «و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را می‌آزارند و می‌گویند: 'او حرف‌شنو زودباور است.' بگو: 'زورباوری او برای شما نیکو و به‌نفعتان است. [بدانید] او به خدا ایمان دارد و [فقط] مؤمنان را تصدیق می‌کند و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و آن‌ها که رسول خدا را آزار می‌دهند، عذاب دردناکی دارند!»

اگر بخواهم، می‌توانم از یک‌یک این افراد نام ببرم و به آن‌ها اشاره کرده و خصوصیات کاملشان را بیان کنم؛ ولی به خدا قسم درباره آن‌ها بزرگواری می‌کنم. با این همه، خدا از من راضی نمی‌شود؛ مگر آنچه به من وحی کرده است را برسانم؛ سپس این آیه را خواند: «ای پیامبر، برسان آنچه را [درباره علی بن ابی‌طالب] از سوی پروردگارت به تو نازل شده است که اگر این کار را نکنی، رسالتش را ابلاغ نکرده‌ای و [پروا نکن که] خدا تو را از [فتنه و گزند] مردم حفظ می‌کند.»

## ۲. قائلین به جدایی سیاست از دیانت

رگه‌های فکری این گروه که همان مقدّسین انزواطلب و روشن‌فکران راحت‌طلب هستند و در طول تاریخ، پرچم ستیز با غدیر را برافراشته‌اند، امروزه در میان اهل سنت و شیعه دیده می‌شود. این افراد که سیاست و دیانت را دو موضوع جدا از هم می‌پندارند و می‌کوشند دین را در چهارچوب مسئله‌ای شخصی محدود کنند، خود دو دسته‌اند:

## الف. جریانی از اهل سنت

اولین ندای شوم جدایی سیاست از دیانت در صدر اسلام، با شعار: «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»<sup>۱</sup> و حذف اهل بیت و عترت پیامبر ﷺ از صحنه سیاست و حاکمیت جامعه، شروع شد. این ندای شیطانی، به تشکیل جریانی سیاسی به نام خلافت منجر شد که در برابر نظام امامت قرار گرفت و زمینه ساز شکل گیری حکومت امویان و عباسیان در بستر تاریخ شد. امام خمینی ره در این باره فرموده اند:

طرح مسئله جدابودن سیاست از [دین و] روحانیت، چیز تازه ای نیست. این مسئله در زمان بنی امیه طرح شد و در زمان بنی عباس قوت گرفت. در این زمان های اخیر هم که دست های بیگانه در ممالک باز شد، آن ها هم به این مسئله دامن زدند: به طوری که مع الاسف، بعضی از اشخاص متدین و روحانیون متعهد هم باورشان آمده است!<sup>۲</sup>

## ب. جریانی در درون شیعه

در میان شیعیان هم دو گروه مقدسین و عارف مسلکان و روشن فکران لیبرال، فریب شعار جدایی سیاست از دین را خورده اند. امام خمینی ره در تبیین تفکر انحرافی این افراد فرموده اند:

خیال کردند یک دسته زیادی که معنای عرفان عبارت از این است که انسان یک محلی پیدا بشود و یک ذکری بگوید و یک سری حرکت بدهد و یک رقصی بکند و این ها! این معنای عرفان

۱. محمد بن محمد مفید، الامالی، ص ۳۶.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، روحانیت و حوزه های علمیه از دیدگاه امام خمینی (س)، ص ۲۹۱.

است؟! مرتبهٔ اعلای عرفان را امام علی (سلام الله علیه) داشته است و هیچ، این چیزها نبوده در کار. خیال می‌کردند که کسی که عارف است، باید دیگر به کلی کناره‌گیر از همه چیز و برود کنار بنشیند و یک قدری ذکر بگوید و یک قدری تغنی بشود و یک قدری چه بکند و دُکانداری! امیرالمؤمنین در عین حالی که «أَعْرَفَ خَلْقَ اللَّهِ» بعد از رسول الله «در این امت، «أَعْرَفَ خَلْقَ اللَّهِ» به حق تعالی» بود، مع ذلک نرفت کنار بنشیند و هیچ کاری به هیچی نداشته باشد! هیچ وقت هم حلقهٔ ذکر نداشت. مشغول بود به کارهایش؛ ولی آن هم بود. یا [گاهی] خیال می‌شود که کسی که اهل سلوک است، اهل سلوک باید به مردم دیگر کار نداشته باشد: در شهر هر چه می‌خواهد بگذرد [، بگذرد]. من اهل سلوکم، بروم یک گوشه‌ای بنشینم و ورد بگویم و سلوک به قول خودش پیدا کند. این سلوک در انبیا زیادتر از دیگران بوده است، در اولیا زیادتر از دیگران بوده است؛ لکن نرفتند توی خانه‌شان بنشینند و بگویند که ما اهل سلوکیم و چه کار داریم که به ملت چه می‌گذرد [و] هر که هرکاری می‌خواهد، بکند!

اگر بنا باشد که اهل سلوک بروند کنار بنشینند؛ پس باید انبیا هم همین کار را بکنند و نکردند. موسی بن عمران اهل سلوک بود؛ ولی مع ذلک رفت سراغ فرعون و آن کارها را کرد. ابراهیم هم همین‌طور، رسول خدا هم که همه می‌دانیم: رسول خدایی که سال‌های طولانی در سلوک بوده است، وقتی که فرصت پیدا کرد، یک حکومت سیاسی ایجاد کرد؛ برای اینکه عدالت ایجاد بشود.



تبع ایجاد عدالت، فرصت پیدا می‌شود برای اینکه هرکس، هر چیزی دارد، بیاورد. وقتی که آشفته است، نمی‌تواند. در یک محیط آشفته نمی‌شود که اهل عرفان عرفانشان را عرضه کنند، اهل فلسفه فلسفه‌شان را، اهل فقه فقه‌شان را؛ لکن وقتی حکومت، یک حکومت عدل الهی شد و عدالت را جاری کرد و نگذاشت که فرصت طلب‌ها به مقاصد خودشان برسند، یک محیط آرام پیدا می‌شود [و] در این محیط آرام، همه چیز پیدا می‌شود؛ بنابراین «ما نُودِي بِشَيْءٍ مِثْلَ ما نُودِي بِالْوَلَايَةِ» برای اینکه حکومت است! به هیچ چیز مثل این امر سیاسی دعوت نشده است و این امر سیاسی بوده است: زمان پیغمبر بوده است، زمان امیرالمؤمنین بوده است، بعدها هم اگر یک فرصت پیدا می‌شد، آن‌ها هم داشتند این معنا را.

انحرافات زیاد شده است. بعضی از اهل علم خودمان هم همین معانی را دارند: «لباس جُندی حرام است: لباس شهرت است [و] به عدالت مضر است.» حضرت امیر عادل نبوده [است]؟ حضرت سیدالشهدا هم عادل نبوده [است]؟ حضرت امام حسن هم عادل نبوده [است]؟ پیغمبر اکرم هم عادل نبوده [است]؟ برای اینکه لباس جُندی داشتند! این‌ها را تزریق کردند به ما. به ما آن‌طور دست‌های توطئه‌گر تزریق کردند که ماها هم باورمان آمده است. [مثلاً می‌گویند:] تو چه کار داری به اینکه چه می‌گذرد! تو مشغول درست باش! تو مشغول فقهات باش! تو مشغول فلسفهات باش! تو مشغول عرفانت باش! چه کار داری که چه می‌گذرد! در آن وقت، اوایلی که این مسائل پیش می‌آمد، یکی از رفقای ما که

بسیار خوب بود، بسیار مرد صالحی بود و اهل کار هم بود؛ لکن من وقتی یک قضیه را صحبت کردم که در این قضیه ما باید تحقیق کنیم، گفت: «به ما چه کار دارد؟ حاصل امر سیاسی است. به ما چه کار دارد!» این طور تزیق شده بود که یک مرد عالم روشن فکر متوجه به مسائل، این طور می گوید که به ما چه کار دارد. پیغمبر هم می گفت سیاست به ما چه کار دارد؟ امیرالمؤمنین هم که حکومت داشت... حکومتی داشت برای ذکرگفتن و برای قرآن خواندن و برای نماز خواندن و همین دیگر؟! حکومت بود، ولایت بود و تجهیز جیوش<sup>۱</sup> بود، عرض می کنم حکومتها در نصب کردن اینها بود. همه اش سیاست است اینها.

آنی که می گوید که آخوند چه کار دارد به سیاست، آنی که با آخوند خوب نیست، این با اسلام بد است. می خواهد آخوند را کنار بگذارد که می تواند یک کاری توی مردم انجام بدهد و [در نتیجه، خودشان] هرکاری دلشان می خواهد، بکنند و لهذا این طور شد؛ البته علمای ما در طول تاریخ، این طور نبود [ه است] که منعزل از سیاست باشند. مسئله مشروطیت، یک مسئله سیاسی بود و بزرگان علمای ما در آن دخالت داشتند [و] تأسیس کردند. مسئله تحریم تنباکو یک مسئله سیاسی بود و میرزای شیرازی (رَحْمَه الله) این معنا را انجام داد. در زمانهای اخیر هم مدرس، کاشانی، اینها مردم سیاسی بودند و مشغول کار بودند؛ اما به قدری قدرت داشت این دست قوی توطئه گر که نمی شد از فکر حتی اهل علم محترم هم بیرون

کرد به اینکه نه، مسئله این طور نیست.<sup>۱</sup>

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز در این باره فرموده‌اند:

خیلی از اوقات اتفاق می‌افتاد که کسانی در جامعه، در جامعهٔ زمان خلفا، اهل زهد بودند و اهل علم بودند و معروف به تفسیر و به علم و به این چیزها. خلفا هم با آن‌ها نه فقط معارضه‌ای نمی‌کردند، بلکه حتی مخلص آن‌ها بودند، اظهار ارادت نسبت به آن‌ها می‌کردند، پیش آن‌ها می‌رفتند، از آن‌ها نصیحت می‌خواستند. چرا؟ چون آن‌ها در مقابل خلفا داعیهٔ سیاسی نداشتند. امثال حسن بصری و ابن شبرمه و یا عمر بن عبید، این بزرگان از علمایی که مورد توجه و قبول خلفا بودند، این‌ها کسانی بودند که ادعای علم و ادعای زهد و ادعای معنویت و ادعای تفسیر و ادعای علوم پیغمبر و همهٔ این ادعاها را داشتند؛ اما نسبت به آن‌ها هیچ‌گونه از طرف خلفا تعرضی نبود. چرا؟ چون داعیهٔ قدرت سیاسی وجود نداشت.<sup>۲</sup>

حضرت آیت الله جوادی آملی (حفظه الله تعالی) در تفسیر زیارت جامعهٔ کبیره و ذیل عبارت «و ساسة العباد» فرموده‌اند:

شعار شوم «جدایی دین از سیاست» ساخته نیرنگ سیاسیون سیاسی کارِ دغل باز و پرداختهٔ جمود و جهل تسبیح به‌دستان عاقبت طلب و روشن‌فکر نمایان غافل، وابسته یا غیر وابسته است؛ وگرنه هیچ سیاست‌مدار حکیمی، سیاست را از دین جدا نمی‌داند؛ بلکه آن دو را کاملاً بهم پیوسته و مرتبط می‌شمرد. سیاسیون

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفهٔ امام، ج ۲۰، ص ۱۱۶ تا ۱۱۸، به نقل از نرم‌افزار صحیفهٔ امام، نسخه ۳.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۲ بهمن ۱۳۶۶.

هوامدار و هوس‌پرست در راستای اعمال سلطهٔ سیاسی و حاکمیت فکری و فرهنگی خود، برای مقابله با ادیان حقیقی که نسبت به سلطه‌گران حالت پرخاشگری و تهاجم دارند، اقدام به دین‌سازی، مذهب‌تراشی و انحراف ادیان راستین الهی با نام قرائت جدید و امثال آن می‌کنند و در این راه، همت می‌گمارند و از آن، به‌عنوان زمینه‌ساز حضور فکری و سیاسی سلطه‌گرانهٔ خود استفاده می‌کنند.

اسلام آمریکایی و مسیحیت آمریکایی نمونهٔ تحریف ادیان [است و] بهائیت در عالم شیعیه و وهابیت در دنیای تسنن، نمونه‌های مذهب‌تراشی است. از یک سو غذاره‌بندان سیاسی کار، خنجر را از رو بسته و مسلح به انواع سلاح‌های سیاسی، فکری، فرهنگی، نظامی، اقتصادی و... در پناه آتش تهیه فراهم آمده از مساعدت، همکاری و هم‌فکری عافیت‌طلبان و روشن‌فکر نمایان داخلی و با استفاده از غفلت و خواب‌آلودگی ملت‌ها حملهٔ گسترده، فراگیر و همه‌جانبه خود را برای درهم‌ریختن بنیادهای دینی و اعتقادی جبههٔ متدینان و دین‌باوران آغاز کرده، به افساد و اِهلاک حرث و نسل پرداخته‌اند. از دیگر سو، [نیز] عده‌ای با اعلام آتش‌بس. همان‌گونه که امام راحل عظیم‌الشأن رحمته‌الله با قیام و اقدام خود، مسلمانان را از شر اسلام آمریکایی خلاص و با دم روح‌اللهی خود، اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را احیا و به دنیا معرفی کرد، مسیحیت راستین عیسی بن مریم علیها‌السلام نیز احتیاج به روح‌اللهی دارد که با دم عیسوی خود، دنیای غرب را از فتنه و فساد مسیحیت محرف و منحرف آمریکایی نجات بخشد و مسیحیت ناب عیسوی را به جهانیان بشناساند.



...از سوی سوم، گروهی با تهاجم فرهنگی، قدح منحرفانه زیرکان و عده‌ای با دل‌بستگی به مدح منحرفانه [و مبالغه‌آمیز و ناآگاهانه] غافلان، صحنه فرهنگ ناب را رها کرده و میدان سباق و محاوره و مناظره علمی را ترک گفتند. این‌ها نه تنها سلاح هجوم به بیگانه را به دست نگرفته‌اند، بلکه سلاح دفاع از خود را نیز زمین نهادند [و] در مقابل، قلم غفلت یا تسبیح تحجر به دست گرفته، لباس رزم را درآورده، لباس عافیت کاذب که در واقع ثوب مذلت است، به تن کرده‌اند. [این‌ها] آیه ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ﴾<sup>۱</sup> و امثال آن را فراموش کرده، به اذکار و اوراد شخصی که هیچ کس ترس و واهمه‌ای از آن ندارد، روی آورده‌اند و برخی نیز با بیان و بنانشان، شعارهای انحرافی و بیگانه از فرهنگ اسلام را تکرار می‌کنند و خلاصه به جای حل مسئله، صورت مسئله را پاک کرده‌اند.

هر دو گروه، باید جواب بدهند. عهدنامه مالک اشتر نخعی که حقا اصول سیاسی اسلام ناب محمدی ص و علوی است، با نغمه ناموزون جدایی دین از سیاست، چگونه قابل جمع است؟ چطور می‌توان اقدام رسول اکرم ص برای تشکیل حکومت اسلامی در اولین فرصت ممکن پس از هجرت و تلاش امیرالمؤمنین ع برای تصدی امر خلافت پس از رحلت آن حضرت را دید و تصویر صحیحی از اسلام منهای سیاست ارائه داد؟!<sup>۲</sup>

۱. انفال، ۶۰.

۲. عبدالله جوادی آملی، ادب؛ فنای مقربان، ج ۱، ص ۲۶۱.





## حکومت ولیّ فقیه؛ استمرار جریان غدیر در دوران غیبت

به استناد خطبه غدیره پیامبر ﷺ، مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیام این خطبه، پیام سیاسی آن، یعنی دولت‌سازی با محوریت نظام امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فرزندان معصوم ایشان (علیهم السلام) و پذیرش ولایت و حکومت عادلانه آن‌هاست.

تمرد و سرپیچی تاریخی از غدیر، سبب حاکمیت بیگانگان بر سرنوشت اسلام و مسلمین یا حاکمیت اسلام غیرولایی و حکومت ظالمانه حاکمانی غاصب و فاسد شد که این راه شوم و تاریک، در پایان دوره امامت امام یازدهم، به غیبت دوازدهمین پیشوای آسمانی انجامید.

دوران غیبت، دورانی بسیار پرالتهاب و پرفتنه و طاقت‌فرساست، اما فرزندان غدیر برای انجام حداقل وظایف خود در برابر غدیر و

اعلام آمادگی به منظور برپایی دولت امام مهدی (علیه السلام) لازم است ضمن زمینه‌سازی اجتماعی برای ظهور، با مجاهدتی خستگی‌ناپذیر برای تحقق و یاری حاکمیت و حکومت ولیّ فقیه همت گمارند تا در حدّ توان و استطاعت، به پیام واقعه غدیر جامعه عمل پوشانیده شود.

امام مهدی (علیه السلام) فرموده‌اند: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»<sup>۱</sup> (درباره حکم پیشامدهای تازه به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آن‌ها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آن‌ها). امروزه بزرگ‌ترین مشکل مسلمانان و شیعیان که سبب سرگردانی آن‌ها شده است، مسئله حاکمیت و حکومت و تسلط دشمنان دین بر ذهن و دل و منابع مادی و معنوی جهان اسلام است؛ از این رو، لازم است همگی برای خنثی‌سازی تحرکات و دسیسه‌های دشمنان و اجرای شایسته قوانین اسلام، از نظام ولایت فقیه پشتیبانی کنیم. امید است از این رهگذر بتوانیم خود و جامعه خویش را در مقام عمل، در طومار دریافت‌کنندگان پیام غدیر قرار دهیم و زمینه‌های ظهور امام عصر (علیه السلام) را برای اجرای هدف نهایی غدیر، یعنی تشکیل حکومت جهانی با محوریت امام معصوم فراهم سازیم.

امام خمینی (ره) در این زمینه فرموده‌اند:

... بعد از رسول اکرم کسی افضل از او در هیچ معنایی نیست و نخواهد بود؛ لکن در مراتب بعد هم که باید این امت هدایت بشود، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که از دنیا می‌خواست تشریف ببرد، تعیین جانشین و جانشین‌ها را تا زمان غیبت کرد و همان جانشین‌ها تعیین امام

امت را هم کردند؛ به‌طورکلی این امت را به خود وانگذاشتند که متحیر باشند: برای آن‌ها امام تعیین کردند، رهبر تعیین کردند. تا ائمه هدی (سلام‌الله‌علیهم) بودند، آن‌ها بودند و بعد فقها: آن‌هایی که متعهدند، آن‌هایی که اسلام‌شناس‌اند، آن‌هایی که زهد دارند [و] زاهدند، آن‌هایی که اعراض از دنیا دارند، آن‌هایی که توجه به زرق و برق دنیا ندارند، آن‌هایی که دلسوز[ند] برای ملت [و] آن‌هایی که ملت را مثل فرزندان خودشان می‌دانند، آن‌ها را تعیین کردند برای پاسداری از این امت.<sup>۱</sup>

همین بزرگوار برای دفع توهم شبهه‌افکنان در هم‌طرازِ ولی فقیه با معصوم (علیه‌السلام)، ضمن تفکیک عالمانه این دو موضوع، در نظریه ولایت فقیه فرموده‌اند:

وقتی می‌گوییم ولایتی را که رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه (علیهم‌السلام) داشتند، بعد از غیبت، فقیه عادل دارد، برای هیچ‌کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام ائمه (علیهم‌السلام) و رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است؛ زیرا اینجا صحبت از مقام نیست؛ بلکه صحبت از وظیفه است. ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، یک وظیفه سنگین و مهم است؛ نه‌اینکه برای کسی شأن و مقام غیرعادی به‌وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد. به عبارت دیگر، ولایت مورد بحث، یعنی حکومت و اجرا و اداره، برخلاف تصویری که خیلی از افراد دارند، امتیاز نیست؛ بلکه وظیفه‌ای خطیر است. از امور اعتباری عقلایی است و واقعیتی جز

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۲، به نقل از نرم‌افزار صحیفه امام، نسخه ۳.

جعل ندارد، مانند جعل قِیم برای صغار. قِیم ملت با قِیم صغار، از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد. مثل این است که امام علیه السلام کسی را برای حضانت، حکومت یا منصبی از مناصب تعیین کند. در این موارد معقول نیست که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام با فقیه فرق داشته باشد.

مثلاً یکی از اموری که فقیه متصدی ولایت آن است، اجرای حدود است. آیا در اجرای حدود، بین رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام و فقیه امتیازی است یا چون رتبه فقیه پایین تر است، باید کمتر بزند؟ حدّ زانی که صد تازیانه است، اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله جاری کند، ۱۵۰ تازیانه می زند و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام صد تازیانه و فقیه، پنجاه تازیانه؟ یا اینکه حاکم، متصدی قوه اجراییه است و باید حدّ خدا را جاری کند؛ چه رسول الله صلی الله علیه و آله باشد و چه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام یا نماینده و قاضی آن حضرت در بصره و کوفه یا فقیه عصر. دیگر از شئون رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت امیر علیه السلام اخذ مالیات، خمس، زکات، جزیه و خراج اراضی خراجیه<sup>۱</sup> است. آیا رسول اکرم صلی الله علیه و آله اگر زکات بگیرد، چقدر می گیرد؟ از یک جا، ده یک و از یک جا، بیست یک [می گیرد]؟ حضرت امیر المؤمنین علیه السلام [که] خلیفه شدند، چه می کنند؟ جناب عالی [که] فقیه عصر و نافذالکلمه شدید، چطور؟! آیا در این امور، ولایت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و فقیه فرق دارد؟

۱. اراضی خراجیه یا زمین های خراجی به زمین های آباد گفته می شود که مسلمانان به فرمان پیغمبر صلی الله علیه و آله یا امام، آن را فتح کرده باشند. این نوع زمین ها به تمام مسلمین تعلق دارد و خریدوفروش آن ممنوع است. حکومت اسلامی آن ها را واگذار می کند و در برابر استفاده از آن، مالی دریافت می کند که به آن خراج می گویند.



خداوند متعال رسول اکرم ﷺ را «ولی» همه مسلمانان قرار داده [است] و تا وقتی آن حضرت باشند، حتی بر حضرت امیر (علیه السلام) ولایت دارند. پس از آن حضرت، امام بر همه مسلمانان و حتی بر امام بعد از خود، ولایت دارد؛ یعنی او امر حکومتی او درباره همه نافذ و جاری است و می‌تواند قاضی و والی نصب و عزل کند. همین ولایتی که برای رسول اکرم ﷺ و امام در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی اداره هست، برای فقیه هم هست... در این معنا، مراتب و درجات نیست که یکی در مرتبه بالاتر و دیگری در مرتبه پایین‌تر باشد؛ [به این معنا که] یکی والی و دیگری والی‌تر باشد.<sup>۱</sup>

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، کتاب ولایت فقیه، کتاب الکترونیکی، ص ۲۲۷ تا ۲۲۹:



## غدیر خم و تبیین اندیشه و راهبرد تاریخی سیاسی شیعه

در نگاه شیعه و مکتب اهل بیت علیهم السلام نبوت و همه آرمان‌ها و مشخصات و امتیازاتش، البته به استثنای وحی تشریحی آن، در امام و نظام امامت، استقرار و تجلی یافته است. امامان معصوم علیهم السلام در فرهنگ تشیع، مانند پیامبر، سه شأن و مقام «دینی»، «قضایی» و «حکومتی و اجرایی» دارند و همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه، در هر سه عرصه گفته شده ولایت و اختیارات کامل داشتند، امامان و خلفای صالح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز از این سه شأن پیامبرانه برخوردارند. به همین دلیل و بر اساس پیام غدیر، شیعه اصرار دارد که حق حاکمیت سیاسی مشروع و الهی امام را تثبیت کند تا امام در کنار امور دینی و عبادی، به حق حاکمیت و دولتی‌سازی و استقرار نظامی سیاسی و الهی دست یابد و بتواند احکام دین را در بستر جامعه و جهان جاری کند؛ البته این مهم، وظیفه‌ای دینی برای امامان معصوم علیهم السلام و پیروان آنهاست.

غدیر خم، طلیعه نظام ولایی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تبیین کننده اندیشه سیاسی و راهبرد اسلام ناب محمدی برای همیشه تاریخ و تا قیام قیامت است؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر فرمودند:



مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وِرَاثَةً فِي عَقَبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ قَدْ بَلَّغْتُ مَا بَلَّغْتُ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَ لَمْ يُؤَلَّدْ فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.<sup>۱</sup>

ای گروه مردم، همانا من امامت را به صورت وراثت تا روز رستاخیز در آعقاب خود به ودیعه می‌سپرم و به تحقیق آنچه را باید تبلیغ کنم، تبلیغ کردم و این حجت است برای هر حاضر و غایب و بر هر کس شاهد بوده یا شاهد نبوده است و هنوز متولد نشده است؛ پس شاهدان به غایبان برسانند و پدران به فرزندان تا روز قیامت ابلاغ کنند.

چنان‌که پیش از این گفته شد، در برابر این اندیشهٔ سیاسی، علاوه بر جریانات باطل خارج از اسلام، دو جریان منحرف درون اسلامی نیز وجود دارد:

۱. اندیشهٔ اسلام غیرسیاسی و دیانت بدون سیاست و اسلام غیرحکومتی که این اندیشهٔ انحرافی، مربوط به متحجران، عارف‌مسلکان گوشه‌گیر، مقدس‌نماها، روشن‌فکران لیبرال و راحت‌طلبان است.

۲. اندیشهٔ اسلام سیاسی غیرمعصومانه و پذیرش هر نوع حاکمیت و حاکمی بر سرنوشت اسلام و مسلمین. این دیدگاه مانند نظام خلافت در میان اهل سنت است و پذیرش چنین تفکری، به پذیرش حاکمیت اسلام اموی و عباسی و در یک کلام اسلام آمریکایی منجر می‌شود.

اما بر مبنای طرح‌وارهٔ غدیرخم، مکتب اسلام و دین اولاً برای اجرای

۱. محمدبن احمد قتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶.



حدود و احکام اسلامی، نظام اجرایی و سیاسی دارد و ثانیاً هر نوع حکومت و حاکمیتی را بر نمی‌تابد؛ بلکه حاکم باید معصوم بوده و در زمان غیبت امام معصوم نیز، حاکم باید عادل باشد. بر این مبنا، سخن رسول خدا ﷺ در عید غدیر خم که فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» به معنای اثبات ولایت سیاسی و انتصاب حضرت علی (علیه السلام) و فرزندان معصوم ایشان (علیهم السلام) به مقام امامت و خلافت، آن‌هم با تمام اختیارات پیامبر اکرم ﷺ است؛ اما با کمال تأسف، مخالفان ولایت، ولایت را در این کلام مبارک پیامبر ﷺ، بر معنای دیگر حمل کردند و گفتند: «مراد از ولایت و ولی در سخن رسول خدا ﷺ ولایت سیاسی و حکومتی و اجرایی نیست؛ بلکه فقط منظور از آن ولاء حبّ است!»

در ردّ این شبهه و برداشت شیطنت‌آمیز، علامه امینی (رحمته الله) در جلد دوم کتاب ارزشمند الغدير به سخن ۴۲ نفر از پیشوایان علم لغت و عربی استناد کرده‌اند که همگی گفته‌اند مولا بر اثبات «ولاء» به معنای «أولى بالتصرف» یا همان ولای سرپرستی و سیاسی دلالت دارد؛ اما علاوه بر استنادات لغوی، با ذکر پنج وجه می‌توان فهمید منظور، ولای سیاسی است:

۱. اگر منظور ولای محبت و دوستی باشد، پس نباید میان شیعه و سنی دیگر اختلافی باقی بماند؛ زیرا بسیاری از اهل سنت به جز ناصبی‌ها، محب اهل بیت (علیهم السلام) هستند؛ اما امتیاز شیعه نسبت به اهل سنت آن است که از دیدگاه شیعه، علاوه بر داشتن حبّ علی (علیه السلام) باید آن حضرت را به عنوان امام و خلیفه اول مسلمین پذیرفت.

۲. اگر منظور پیامبر ﷺ اعلام لزوم محبت‌ورزی به حضرت علی (علیه السلام) بود،



هیچ دلیلی نداشت که برای این اعلام، از موقعیتی مانند حجة الوداع و حضور بیش از صد هزار نفری حاجیان در وادی غدیر خم استفاده شود.

۳. از آنجا که ولایت تکمیل کننده رسالت است، فقط محبت و ورزی به حضرت علی (علیه السلام) کامل کننده و تضمین کننده بقای دین نیست؛ بلکه پذیرش ولایت سیاسی علی (علیه السلام)، کامل کننده دین و رسالت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) به شمار می رود و به همین دلیل، خداوند متعال خودداری از اعلام جانشینی امیرالمؤمنین (علیه السلام) را ناتمام گذاشتن وظیفه رسالت دانسته و فرموده است: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ»<sup>۱</sup> (و اگر [اعلام ولایت امیرالمؤمنین را] به انجام نرسانی، رسالت الهی را ادا نکرده ای!).

۴. همه اهل بیت (علیهم السلام) از حضرت علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (علیها السلام) گرفته تا دیگر امامان (علیهم السلام)، در مواضع مختلفی، برای اثبات حق حکومتی خویش و نه اثبات وجوب محبت دیگران به خود، به سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) استناد کرده اند که فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ».

۵. محبت اهل بیت (علیهم السلام) مسئله ای درونی و قلبی است که غصب آن معنا ندارد؛ اما ولای سیاسی و حق حکومتی، امری خارجی و قابل غصب است و از آنجا که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره غصب این حق حکومتی اهل بیت (علیهم السلام) احساس خطر می کردند، ولایت و امامت حضرت علی (علیه السلام) را در حضور همه مردم و در غدیر خم به صورت رسمی اعلام کردند و با درخواست بیعت از مردم، به تثبیت حق حاکمیت سیاسی امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرداختند؛ ولی متأسفانه پس از آن، این حق از سوی ناهلان غصب شد.

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ که خود از دریافت‌کنندگان پیام غدیر بودند، در تبیین اینکه غدیر نقطه آغاز حرکت سیاسی مشروع در ساختار نظام امامت است، فرموده‌اند:

مسئله [غدیر]، مسئله حکومت است. مسئله، مسئله سیاست است، حکومتِ عِدْلٍ<sup>۱</sup> سیاست است، تمام معنای سیاست است. خدای تبارک و تعالی این حکومت را و این سیاست را امر کرد که پیغمبر به حضرت امیر واگذار کنند، چنان که خود رسول خدا سیاست داشت و حکومت بدون سیاست ممکن نیست! این سیاست و این حکومتی که عجین با سیاست است، در روز عید غدیر، برای حضرت امیر ثابت شد. اینکه در روایات هست که «بُئِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى حَمْسٍ»، این ولایت، ولایت کلی امامت نیست. آن امامتی که هیچ عملی مقبول نیست [و] قبول نمی‌شود، الا به اعتقاد به امامت، این معنایش این حکومت نیست.

خُب، ما بسیاری از ائمه‌مان حکومت نداشتند. ما الان معتقدیم که حضرت امیر در یک برهه از زمان به حکومت رسید، حضرت امام حسن هم یک مدت بسیار بسیار کمی به حکومت رسید؛ [ولی] باقی ائمه حکومت نداشتند. آن که خدای تبارک و تعالی جعل کرد و دنبالش هم برای ائمه هدی جعل شده است، حکومت است؛ لکن نگذاشتند که این حکومت ثمر پیدا بکند. بنابراین، حکومت را خدا جعل کرده است برای حضرت امیر (سلام الله علیه). این حکومت، یعنی سیاست، یعنی عجین با سیاست. از اِعْوَاج‌هایی

۱. برابر، همان.



که پیدا شده است، مع الأسف این است که یعنی اعوجاج زاید پیدا شده [است]؛ اما بزرگ‌ترینش این است که دست‌هایی از زمان سابق از زمان خلفای اموی و خلفای عباسی (علیهم‌لَعْنَةُ‌اللّٰهِ). از آن زمان، دست‌هایی پیدا شده است که بگویند که دین علی‌حده از مسائل است و سیاست علی‌حده از حکومت است. هرچه طرف پایین آمده است، این قوّت گرفته است تا وقتی بازیگرهای دنیا که دیدند باید دین را یک چیز تبعدی قرار داد. این بازیگرها آمدند و این‌طور کردند که ماها هم باورمان آمده بود که دین چه کار دارد به سیاست؟ سیاست مال امپراتورها [است]. این معنایش این است که تخطئه کنیم خدا را و رسول خدا را و امیرالمؤمنین را؛ برای اینکه حکومت سیاست است. حکومت که دعاخواندن نیست، حکومت که نماز نیست، حکومت روزه نیست. حکومت، [یعنی] حکومت عدل، اسباب این می‌شود که این‌ها اقامه بشود؛ اما خود حکومت، یک دستگاه سیاسی است. آن که می‌گوید دین از سیاست جداست، تکذیب خدا را کرده، تکذیب رسول خدا را کرده است، تکذیب ائمه هدی را کرده است.<sup>۱</sup>

فرموده این بزرگوار درباره‌ی اصلی‌ترین پیام غدیر، یعنی جدایی‌ناپذیری دین از سیاست و جریان همیشه‌جاری غدیر در بستر تاریخ بشر نیز شنیدنی است: غدیر آمده است که بفهماند که سیاست به همه مربوط است. در هر عصری باید حکومتی باشد با سیاست: منتها سیاست عادلانه که بتواند به واسطه‌ی آن سیاست، اقامه‌ی صلاة کند، اقامه‌ی صوم

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۴ و ۱۱۵، به نقل از نرم‌افزار صحیفه امام، نسخه ۳.

کند، اقامه حج کند، اقامه همه معارف را بکند و راه را باز بگذارد  
برای اینکه صاحب افکار، یعنی آرام کند که صاحب افکار، افکارشان  
را با دلگرمی و با آرامش ارائه بدهند.<sup>۱</sup>

حضرت امام علیه السلام که نظریه سیاسی ولایت فقیه را برگرفته از غدیر خم  
می دانستند، در تبیین این موضوع چنین فرموده اند:

نظریه شیعه در مورد طرز حکومت و اینکه چه کسانی باید عهده دار آن  
شوند، در دوره رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا زمان غیبت واضح است. به موجب  
آن، امام باید فاضل و عالم به احکام و قوانین و در اجرای آن عادل باشد.  
اکنون که دوران غیبت امام علیه السلام پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام  
باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم  
می آید... اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز  
امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید  
اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی خواهیم؟ اسلام فقط برای دوپست  
سال بود؟ یا اینکه اسلام تکلیف را معین کرده است؛ ولی تکلیف حکومتی  
نداریم؟ معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین  
از دست برود و ما با بی حالی، دست روی دست بگذاریم که هرکاری  
می خواهند بکنند و ما اگر کارهای آن ها را امضا نکنیم، رد نمی کنیم! آیا  
باید این طور باشد؟ یا اینکه حکومت لازم است و اگر خدا شخص معینی را  
برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصیت حکومتی  
را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب موجود بود، برای بعد از غیبت  
هم قرار داده است. این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت



باشد، در عده بی‌شماری از فقهای عصر ما موجود است. اگر باهم اجتماع کنند، می‌توانند حکومت عدل عمومی [را] در عالم تشکیل دهند. اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد، به‌پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در امر اداره جامعه داشت، دارا می‌باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.<sup>۱</sup>

امام امت تکمله در بیانات خود، به موضوع زندانی شدن حقیقت غدیر در برهه‌ای از تاریخ و تلاش برای آزادکردن این جریان اصیل و برخاسته از وحی و کلام نبوی نیز پرداخته‌اند:

غدیر منحصر به آن زمان نیست. غدیر در همه اعصار باید باشد و روشی که حضرت امیر در این حکومت پیش گرفته است، باید روش ملت‌ها و دست‌اندرکاران باشد. قضیه غدیر، قضیه جعل حکومت است. این است که قابل نصب است و الا مقامات معنوی قابل نصب نیست: یک چیزی نیست که با نصب آن مقام پیدا بشود.<sup>۲</sup>

رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) نیز در تبیین تفکر سیاسی اهل بیت علیهم السلام و تلاش ایشان برای تشکیل حکومت در طول تاریخ پس از غدیر خم و رویارویی حاکمان فاسد با امامان علیهم السلام فرموده‌اند:

تمام این نزاعی که شما در طول دوران زندگی ائمه علیهم السلام بین آن‌ها و دستگاه‌های ظلم و جور مشاهده می‌کنید، بر سر همین قضیه است. آن‌هایی که با ائمه ما مخالفت می‌کردند، آن‌ها را مسموم می‌کردند، مقتول می‌کردند، زندان می‌انداختند [و] محاصره می‌کردند، دعوی‌اشان

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، کتاب ولایت فقیه، کتاب الکترونیکی، ص ۵۰ تا ۴۸.



بر سر داعیه حکومت ائمه علیهم السلام بود. اگر ائمه داعیه حکومت نداشتند، ولو علوم اولین و آخرین راهم به خودشان نسبت می دادند [و] اگر بحث قدرت سیاسی نبود، داعیه قدرت سیاسی نبود، هیچ گونه تعرضی نسبت به آنها انجام نمی گرفت [یا] لافل به این شدت انجام نمی گرفت؛ اصلاً مسئله این است! لذا شما می بینید در بین دعوتها و تبلیغات ائمه علیهم السلام روی کلمه امامت و مسئله امامت حساسیت بسیار بالایی است؛ یعنی وقتی که امام صادق هم می خواهد ادعای حاکمیت اسلامی و قدرت سیاسی بکند، می گوید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ الْإِمَامَ!» در اجتماع مردم در عرفات، می ایستد در میان مردم [و] می گوید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ الْإِمَامَ». امام جامعه، پیشوای جامعه، رهبر جامعه، حاکم بر جامعه، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود، «ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام ثُمَّ هَهُ فَيُنَادِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لِمَنْ بَيْنَ يَدَيْهِ.»<sup>۱</sup> تا می رسد به خودش. یعنی تمام بحث ائمه با مخالفینشان و بحث اصحاب ائمه در مبارزاتشان، همین مسئله حکومت و حاکمیت و ولایت مطلقه و عامه بر مسلمین و قدرت سیاسی بود. بر سر مقامات معنوی، آنها با ائمه دعوی نداشتند.<sup>۲</sup>

ایشان در سخنی دیگر فرموده اند:

مسئله اصلی و اختلاف اصلی بین سردمداران قدرت، یعنی بنی عباس و بنی امیه و میان اهل بیت رسول خدا، مسئله

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۶۶.

۲. سید علی خامنه ای، انسان ۲۵۰ ساله (بیانات رهبر معظم انقلاب در باره زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه

معصومین علیهم السلام)، ص ۲۳.

امامت بود و مبارزه و درگیری و معارضه و سرکوب، ناشی از فکر ائمه علیهم السلام در باب امامت مسلمین بود. در دوران اخیر و به خصوص در دو قرن گذشته هم، در دنیای اسلام، مایه اصلی نزاع میان مسلمین و قدرت‌های استعمارگر، مسئله حکومت اسلامی است.<sup>۱</sup>

این بزرگوار در بیان خواسته مشروع و تلاش ائمه طاهرین علیهم السلام در زمینه احقاق حق سیاسی خویش فرموده‌اند:

آنچه از روایات مربوط به زندگی ائمه علیهم السلام به دست می‌آید و شواهد زیادی بر آن وجود دارد، این است که ائمه علیهم السلام جداً می‌خواستند نظام اسلامی به وجود آورند. این کار، آن‌طور که تصور می‌شود، با علم و معرفت امام منافات ندارد. آن‌ها واقعاً می‌خواستند نظام الهی برقرار کنند. اگر برقرار می‌کردند، تقدیر الهی همان بود. تقدیر الهی و اندازه‌گیری‌ها در علم پروردگار، با شرایط گوناگون اختلاف پیدا می‌کند که حالا این موضوع را بحث نمی‌کنیم. اجمالاً در اینکه حرکت آن‌ها برای این مقصود بوده است، شکی نیست. ما امروز، به برکت آن نهضت و حفظ فرهنگ و روحیه آن نهضت، در جامعه خودمان این نظام را به وجود آورده‌ایم.<sup>۲</sup>

۱. بیانات در دیدار با اعضای جامعه روحانیت مبارز در آستانه ماه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

۲. بیانات در دیدار با اعضای جامعه روحانیت مبارز در آستانه ماه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.



## غدیر خم؛ معرفی پیشوایی معصومانه به درازای تاریخ

غدیر خم علاوه بر آنکه روز معرفی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امامت و جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، روز معرفی نظام امامت و جانشینان بعدی حضرت علی (علیه السلام) تا روز قیامت است و به دیگر سخن، سالروز برگزاری جشن امامت در تاریخ زندگی انسان‌هاست.

در خطبه غدیریه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در چندین موضع، با صراحت یا کنایه، از دیگر امامان و به‌ویژه حضرت مهدی (علیه السلام) یاد کرده‌اند تا جای هیچ شک و شبهه‌ای درباره اسم و رسم امامان بعد از امیرالمؤمنین (علیه السلام) باقی نماند:

۱. مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنْ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمْ الثَّقَلُ الْأَضْعَرُّ  
وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ وَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُم مُبَيَّنٌّ عَنِ صَاحِبِهِ  
مُؤَافِقٌ لَهُ لَنْ يَنْفَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.<sup>۱</sup>

ای گروه مردم، همانا علی و فرزندان پاکیزه من ثقل کوچک‌اند و قرآن، ثقل بزرگ است و هریک از دیگری خبر

۱. محمدبن‌احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۴.

می‌دهد و موافق با اوست و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا کنار حوض پیش من آیند.

۲. مَعَاشِرَ النَّاسِ التَّوَرُّ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسْلُوكِ نَمِّ فِي عَلِيٍّ نَمِّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا. ۱  
ای مردم، پرتوهای از سوی خداوند متعال در من نهاده شده است که پس از من، در علی و پس از او، در نسل اوست تا مهدی قائم؛ یعنی همان که حق خدا و حق هر مؤمنی را ادا خواهد کرد.

۳. مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرِاثَةً فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. ۲  
همانا من امامت را به صورت وراثت تا روز رستاخیز در اعقاب خود به ودیعه می‌سپارم.

۴. أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ نَمِّ عَلِيٍّ مِنْ بَعْدِي نَمِّ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ ﴿يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾. ۳  
همانا من صراط مستقیم خدایم که شما به اطاعت از او امر شده‌اید و پس از من، علی و پس از او، فرزندان من که از صلب اویند، امامانی هستند که به حق حکم می‌کنند و به آن توسل می‌جویند.

۵. مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَصِيٌّ أَلَا إِنَّ خَاتِمَ الْأَيَّمَةِ مِنَّا الْقَائِمِ الْمَهْدِيُّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ أَلَا إِنَّهُ الْمُتَّقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ الشَّرِكِ أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ

۱. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۲.

۲. محمدین احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶.

۳. اعراف، ۱۵۹ و ۱۸۱.

۴. محمدین احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶.

بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ الْعَرَفُ مِنْ  
 بَحْرِ عَمِيقٍ أَلَا إِنَّهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ  
 أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَمُخْتَارُهُ أَلَا إِنَّهُ وَاثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمَجِيبُ بِكُلِّ فَهْمٍ أَلَا  
 إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ تَعَالَى وَ الْمَشْبَهُ [ الْمُسَيِّدُ ] لِأَمْرِ إِيْمَانِهِ أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ  
 أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوِّضُ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ مَعَهُ  
 إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورٌ إِلَّا عِنْدَهُ أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ  
 وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ. ١

ای مردم، من پیامبرم و علی وصی من است و همانا مهدی قائم  
 که خاتم امامان است، از ماست. اوست که دین را آشکار می‌سازد  
 و از ستمگران انتقام می‌گیرد. همانا او گشاینده و ویرانگر دژهاست  
 و اوست که تمام فرقه‌های مشرکان را می‌کشد. او انتقام خون همه  
 اولیای خدا را می‌گیرد. او ناصر دین خداوند است. او از دریا‌های  
 ژرف به دست خویش آب برمی‌دارد. اوست که بر فضل هر صاحب  
 فضیلتی و جهل هر جاهل می‌افزاید. همانا که او برگزیده و گزینۀ  
 خداوند است. همانا که او وارث همه علوم و آگاه و چیره به همه آن  
 است. اوست که از خدای خود و امور مرتبط به ایمان خبر می‌دهد.  
 او راهنمای استوار است. کارها به او تفویض شده است. اوست  
 که همه کسانی که پیش از او بوده‌اند، به وجودش مزده داده‌اند.  
 او حجت باقی خداوند است و پس از او حجتی نیست و حق، فقط  
 همراه اوست و نوری جز در نزد او نیست. هیچ کس بر او چیره و پیروز  
 نمی‌شود. همانا او ولی خدا در زمینش و حکم خدا میان خلقش و امین



خدا در نهان و آشکارش است.

۶. فَأَمْرُتُ أَنْ أُخَذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ  
اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي  
وَ مِنْهُ أَيْمَةٌ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي يَقْضَى بِالْحَقِّ.<sup>۱</sup>

پس مأمور شده‌ام که از شما بیعت بگیرم برای پذیرفتن آنچه از  
جانب خدای عزّ و جلّ دربارهٔ علی امیر مؤمنان و امامان پس از او  
آورده‌ام. آن‌ها از من و علی هستند و تا روز قیامت، امام و پیشوایند  
و مهدی [امت من] که به حق حکم می‌کند، از آنان است.

۷. مَعَاشِرَ النَّاسِ الْقُرْآنَ يُعْرِفُكُمْ أَنْ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَ لُدَّهُ وَ عَزَّفْتُكُمْ  
أَتَهُمْ مِنِّي.<sup>۲</sup>

ای مردم، قرآن برای شما بیان کرده است که ائمهٔ پس از او [یعنی  
امامان پس از علی (علیه السلام)]، از میان فرزندان اویند و من هم به شما  
شناساندم که آنان، از نسل من هستند.

۸. مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ تَابِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ  
الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ كَلِمَةً بَاقِيَةً.<sup>۳</sup>

ای مردم، از خدا بترسید و از علی تبعیت کنید که امیرالمؤمنین است  
و حسن و حسین و دیگر امامان که کلمهٔ پاک و پایدار الهی هستند.

۱. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۵.

۲. محمدین احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۸.

۳. محمدین احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۹.



## آیات الولاية در خطبة غدیریه

موضوع امامت و ولایت، از مباحث اعتقادی قرآن است. آیاتی که در قرآن درباره موضوع ولایت آمده است، مشهور به «آیات الولاية» است. این آیات توسط برخی از محققین جمع آوری و به صورت کتابی جداگانه تدوین شده است. برخی از کتب آیات الولاية عبارت‌اند از:

۱. آیات الولاية فی القرآن، نوشته ناصر مکارم شیرازی، به تنظیم ابوالقاسم علیان‌نژادی؛

۲. آیات الولاية در پرتو فضائل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نوشته سیدکاظم أرفع؛

۳. ولایة الامام علی فی الكتاب و السنة، نوشته مرتضی عسکری؛

۴. فی رحاب آیات الولاية و الامامة، نوشته سیدمحمد یثربی کاشانی و علی محمد دریع؛

۵. بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین، نوشته فتح‌الله محمدی نجارزادگان؛

۶. آیات ولایت در قرآن، سیدمحمد مرتضوی؛

۷. سیری در آیات ولایت و امامت، نوشته میرسیدمحمد یثربی، تدوین محمدجواد خلیلی.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیریه، در خلال سخنان خویش و در چندین نوبت، آیات‌الولایة را به صورت صریح یا با کنایه بیان کرده‌اند. برخی از دلایل آیه‌آرایی و اقتباس از آیات ولایت در این خطبه عبارت‌اند از:

۱. ارائه ریشه‌های وحیانی موضوع امامت و ولایت؛

۲. ارائه دلایل و مستندات قرآنی موضوع امامت خاصه و عامه و اثبات ثقل اصغر از طریق ثقل اکبر؛

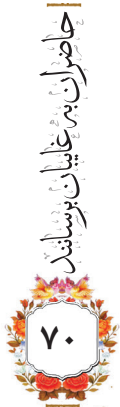
۳. بستن راه هرگونه سوءاستفاده منافقان و مخالفان ولایت، تا کسی نتواند با طرح شعار «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» ولایت را از کتاب خدا جدا کند؛

۴. مقبولیت عمومی قرآن میان همه فرقه‌ها و نحله‌های اسلامی و طرح بحث امامت از این طریق.

برای روشن‌تر شدن بحث، فقط به نقل چهارده نمونه از آیات‌الولایة می‌پردازیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اثبات ولایت و امامت به آن‌ها استناد کرده‌اند.

## ۱. آیه ابلاغ غدیر

قَدْ عَلَّمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ وَقَدْ صَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ فَأَوْحَى إِلَيَّ «بِسْمِ اللَّهِ



الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾<sup>۱</sup> فِي عَلِيٍّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾<sup>۲</sup>.

همانا خدا مرا آگاه کرد که اگر آنچه بر من نازل شده است را ابلاغ نکنم، حق رسالت را به جا نیاورده‌ام و هرآینه خداوند تبارک و تعالی مصونیت از دشمنان را برایم ضمانت کرده است و تنها او کفایت کننده و بخشنده است؛ پس بر من وحی کرد: «به نام خداوند بخشندهٔ مهربان. ای رسول، آنچه از جانب پروردگارت دربارهٔ علی عليه السلام یعنی جانشینی علی بن ابی طالب عليه السلام بر تو نازل شده است، ابلاغ کن و اگر چنین نکنی، رسالت حضرت حق را ابلاغ نکرده‌ای و خداوند تو را از شرّ مردمان نگاه می‌دارد.

در این بخش از خطبه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با استفاده از آیهٔ ۶۷ سورهٔ مبارکهٔ مائده، به چگونگی ابلاغ امامت حضرت علی عليه السلام و نقش ولایت و امامت در تکمیل رسالت و پیوستگی صد در صد این دو در اکمال دین تصریح کرده‌اند. از دقت در این آیه معلوم می‌شود که در ابلاغ امر ولایت اهل بیت علیهم السلام و دفاع از آن، باید شجاع باشیم و ملاحظات سیاسی و موانع اجتماعی نباید مانع از عمل به این مهم شود.

## ۲. آیهٔ ولایت

وَ هُوَ وَ لِيُكُم مِّنْ بَعْدِ اللَّهِ وَ رُسُولِهِ وَ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِّنْ كِتَابِهِ ﴿إِنَّمَا وَ لِيُكُم اللَّهُ وَ رُسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا

۱. مائده، ۶۷.

۲. مائده، ۶۷.

۳. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۵۹.



الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿١﴾ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ<sup>۲</sup>.

و او [یعنی علی] پس از خدا و رسولش مولای شماسست و همانا خداوند تبارک و تعالی در این باره آیه‌ای از کتابش را نازل کرده است: «همانا ولی خدا و رسول او و مؤمنین کسانی‌اند که نماز را به‌پا داشته و در حال رکوع زکات می‌دهند.» و علی ابن ابی طالب (علیه السلام) کسی است که نماز را به‌پا داشت و در حال رکوع، زکات پرداخت و اوست که در هر حالی، به دنبال رضای خداست.

آیه ۵ سوره مبارکه مائده که به آیه ولایت مشهور است، از معروف‌ترین آیات در موضوع اثبات ولایت حضرت علی (علیه السلام) است. این آیه بر اساس اسناد تاریخی و گفته مفسرین، درباره امیرالمؤمنین (علیه السلام) و واقعه‌ای است که آن حضرت، در حال رکوع نماز، انگشتر خود را انفاق کردند. این حقیقت، علاوه بر اثبات شایستگی‌های ایشان، به وحیانی بودن موضوع امامت نیز تصریح دارد.

### ۳. آیه اُذُن (زودباور)

سَأَلَتْ جِبْرِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَ كَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَ إِذْغَالِ الْإِثْمِينَ وَ خْتَلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالإِسْلَامِ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ: ﴿يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾<sup>۳</sup> وَ يَحْسَبُونَهُ ﴿هَيْئًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ﴾<sup>۴</sup> وَ كَثْرَةَ

۱. مانده، ۵۵.

۲. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۹.

۳. فتح، ۱۱.

۴. نور، ۱۵.



أَذَاهُمْ لِي فِي غَيْرِ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أُذُنًا وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَالِكَ لِكثْرَةِ  
 مُلَازِمَتِهِ إِتَائِي وَ إِقْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا  
 ﴿ وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ ۙ عَلَى الَّذِينَ  
 يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ ﴾ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةٌ  
 لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٠٦﴾

از جبرائیل خواستم که مرا از ابلاغ این پیام به شما معاف کند؛ [زیرا]  
 از کم بودن اهل تقوا و زیادبودن منافقین و کارشکنی گناهپیشگان و  
 فریب کاری تمسخرکنندگان اسلام آگاه بودم. خداوند در قرآن، آن‌ها را  
 این چنین وصف کرده است: «با زبان‌هایشان سخنی می‌گویند که در دل به  
 آن اعتقادی ندارند» و می‌پنداشتند «آن سخنی کوچک است؛ درحالی‌که  
 نزد خداوند، بزرگ است» و [نه یک بار، بلکه] همواره مرا بسیار می‌آزرندند  
 و شدت آزارم را به آنجا رساندند که مرا اُذُن (زودباور) نامیدند و گمان کردند،  
 به‌علت همراهی بسیار علی با من و توجه من به او، این چنین هستم، تا  
 اینکه خداوند عَزَّ وَ جَلَّ در قرآن این چنین نازل کرد: «و از ایشان کسانی  
 هستند که پیامبر را می‌آزارند و می‌گویند: 'او حرف‌شنو زودباور است.' بگو:  
 'زور باوری او برای شما نیکو و به‌نفعتان است. [بدانید] او به خدا ایمان دارد  
 و [فقط] مؤمنان را تصدیق می‌کند و رحمت است برای کسانی از شما که  
 ایمان آورده‌اند و آن‌ها که رسول خدا را آزار می‌دهند، عذاب دردناکی دارند!»

در این قسمت از خطبه، پیامبر ﷺ ضمن استفاده از آیه ۱۵ سوره مبارکه نور  
 و آیه ۶۱ سوره مبارکه توبه، با بیان علت امتناع خود از اعلام رسمی امامت

۱. توبه، ۶۱.

۲. توبه، ۶۱.

۳. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۵۹.

حضرت علی (علیه السلام)، یعنی آزار و کارشکنی منافقان، آنان را نکوهش کرده‌اند. از این عبارات و معنای آیات مرتبط با آن، معلوم می‌شود منافقان افرادی سرکش و ماجراجو و قدرت‌طلب‌اند که حتی سابقه سرکشی در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و شایعه‌سازی علیه آن حضرت را نیز در کارنامه خود دارند، تا چه رسد به سرکشی در برابر حضرت علی (علیه السلام)!

#### ۴. آیه جنب‌الله

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ تَعَالَى ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup>

ای مردم، همانا علی «جنب‌الله» است که خداوند در کتابش از او چنین یاد کرده است: «تا مبدا کسی بگوید واحسرتا از کوتاهی که در حق 'جنب‌الله' مرتکب شدم!»

مقام والای حضرت علی (علیه السلام) مقام جنب‌اللهی است. آن حضرت پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نزدیک‌ترین فرد به خداست که به مقاماتی چون یداللهی، سیف‌اللهی، اذن‌اللهی، وجه‌اللهی و... رسیده است. تعبیر جنب‌الله برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) برگرفته از آیه ۳۹ سوره مبارکه زمر است که می‌فرماید: ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ﴾. بر این اساس، کوتاهی در معرفت و محبت و اطاعت از امیرالمؤمنین (علیه السلام) خسارتی حسرت‌بار و فاجعه‌آفرین در دو دنیاست.



۱. زمر، ۵۶.

۲. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۰.

## ۵. اقتباس از آیات غدیر

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنْ الْإِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِيٍّ وَلِيَّكَ عِنْدَ تَبْيَانِي ذَلِكَ  
وَ نَصَّبِي إِيَّاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَ أَتَمَّمْتَ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِكَ  
وَ رَضَيْتَ لَهُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَقُلْتَ: ﴿وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ  
يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

خدایا، تو بر من نازل کردی که همانا امامت پس از من، برای علی  
ولیّی توسّ آن هنگام که من جانشینی اش را تبیین کردم و او را به  
امامت منصوب کردم تا دین بندگانت را بدو کامل کنی و نعمت را  
برایشان تمام کنی و از دین اسلام ایشان راضی شوی؛ پس فرمودی:  
«هرکه غیر از اسلام آیینی برگزیند، هرگز از او پذیرفته نمی شود و در  
آخرت، از زیانکاران خواهد بود.»

پیامبر خدا ﷺ در این قسمت از خطبه، به بخشی از آیه ۳ سوره مبارکه مائده، یعنی  
﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضَيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ  
دِينًا﴾ و نیز به آیه ۸۵ سوره مبارکه آل عمران استناد کرده اند. در این آیات، انتصاب  
حضرت علی (علیه السلام) به مقام امامت از سوی خدا، اكمال دین و اتمام نعمت به برکت  
ولایت ایشان و همراهی همیشگی ولایت با اسلام، به صراحت بیان شده است.

## ۶. آیه حبط اعمال

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَأْتُمْ بِهِ وَ  
بِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ الْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ

۱. آل عمران، ۸۵.

۲. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۱.



عَزَّ وَجَلَّ ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ﴾<sup>۱</sup> وَ فِي ﴿النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾<sup>۲</sup> ﴿لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾<sup>۳</sup>.

ای مردم، همانا خداوند عزّ و جلّ دین شما را با امامت او [یعنی علی (علیه السلام)] کامل کرده است؛ پس هرکس به او و جانشینانش نپیوندد که تا روز قیامت، از فرزندان من و از صلب او هستند «پس ایشان اعمالشان حبط شده و در آتش دوزخ جاودانه اند.» «نه در عذابشان تخفیفی باشد و نه به آنها نظر مرحمتی شود.»

در این بخش که دربارهٔ مخالفین ولایت است، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اشاره کرده‌اند به آیهٔ ۱۷ سورهٔ مبارکهٔ توبه که می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ﴾ و نیز آیهٔ ۱۶۲ سورهٔ مبارکهٔ بقره که عبارت است از ﴿خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾. بر اساس این آیات معلوم می‌شود اعمال صالح و عبادی، در صورت خروج انسان از خط ولایت، حبط و نابود می‌شود و نتیجهٔ آخرتی آن، عذاب بدون تخفیف و غضب همیشگی خدا و سکونت جاودانه در جهنم خواهد بود.

## ۷. همهٔ آیات رضوان

مَعَاشِرَ النَّاسِ... وَ مَا أَنْزَلْتُ آيَةً رِضَىٰ إِلَّا فِيهِ.<sup>۵</sup>

ای مردم، ... هیچ آیه‌ای نازل نشده است که رضایت حق در آن

۱. آل عمران، ۲۲.

۲. بقره، ۲۱۷.

۳. بقره، ۱۶۲.

۴. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۱.

۵. محمدین احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.

باشد، مگر اینکه درباره او [یعنی علی ابن ابی طالب (علیه السلام)] است.

تعدادی از این آیات نورانی عبارت‌اند از:

الف. آیه ۱۱۹ سوره مبارکه مائده: ﴿قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

ب. آیه ۱۰۰ سوره مبارکه توبه: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

ج. آیه ۱۸ سوره مبارکه فتح: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾

د. آیه ۲۲ سوره مبارکه مجادله: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

از آنجاکه علی ابن ابی طالب (علیه السلام) صاحب نفس مطمئننه و عالی‌ترین درجات رشد انسانی بوده و تمام وجود خود را صرف خدمت به اسلام و مسلمین کردند، به مقام والای رضوان الهی دست یافتند و بی‌دلیل نیست که خطاب ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً﴾<sup>۱</sup> زینده آن حضرت است.

## ۸. همه آیاتی که با ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ آغاز شده است

وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ<sup>۱</sup>.

و خداوند هیچ گاه خطاب: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید» را صادر فرموده است؛ مگر اینکه او [یعنی علی] سرفصل آن خطاب است.

امام علی (علیه السلام) به دلیل پیشی گرفتن از دیگران در ایمان به خدا و رسول او و معادباوری و نیز اخلاص ممتاز و پذیرش مشتاقانه فرامین الهی، سرفصل همه خطاب‌های قرآنی به مؤمنان است. بیش از نود آیه از قرآن کریم با خطاب ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ آغاز شده است؛ از جمله آیه ۱۳۵ سوره مبارکه نساء: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ...﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً قیام به عدالت کنید...).

## ۹. همه آیاتی که مؤمنان را ستایش می‌کند

وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ<sup>۲</sup>.

هیچ آیه‌ای در قرآن نازل نشده است که در آن کسی را ستوده باشد؛ جز آنکه درباره او [یعنی علی (علیه السلام)] است.

امام علی (علیه السلام) پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از عالی‌ترین و برترین درجات ایمانی برخوردارند. آن حضرت در خیل اهل ایمان، همواره پیشتاز بوده و کمترین سابقه‌ای از شرک و حتی شک در کارنامه ایمان ایشان وجود ندارد و هرکجا در قرآن صحبت از ستایش مؤمنان است، علی (علیه السلام) در رأس همه اهل ایمان، مراد آیه‌اند. از جمله این آیات نورانی عبارت‌اند از:

۱. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.

۲. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.

الف. آیه ۶۳ سوره مبارکه فرقان: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ (و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان ایشان را مخاطب قرار دهند، با ملایمت پاسخ می دهند.)

ب. آیه ۹۵ سوره مبارکه نساء: ﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (خدا مجاهدان را بر خانه نشینان، با پاداشی عظیم برتری بخشیده است.)

ج. آیه ۱۰ سوره مبارکه واقعه: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ (و سبقت گیرندگان مقدم اند.)

د. آیه ۲۳ سوره مبارکه احزاب: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ (از میان مؤمنان، مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی شان در [همین] انتظارند و [هرگز] عقیده خود را [تبدیل نکردند].)

## ۱۰. آیات سوره مبارکه «هَلْ أَتَىٰ»

وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْبَاطِلِ فِي ﴿هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ﴾ إِلَّا لَهُ<sup>۱</sup>

و خداوند در سوره هل اتی به بهشت گواهی نداده است؛ مگر برای او [یعنی علی].

سوره مبارکه انسان، سوره ابرار است و آیات آن در شأن اهل بیت علیهم السلام و مقام

۱. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.

ایثار و اخلاص و پاداش آخرتی آنان است که در این میان، امیرالمؤمنین (علیه السلام) چونان نگینی می درخشد.

## ۱۱. سوره مبارکه عصر

وَفِي عَلِيٍّ أَنْزَلَ اللَّهُ سُورَةَ الْعَصْرِ...<sup>۱</sup>

سوره عصر درباره علی نازل شده است.

عمل صالح یعنی عملی شایسته که علاوه بر ملاک رضایت و تأیید الهی، باید تأیید و رضایت ولیّ زمانه را هم همراه داشته باشد و اگر عملی شایسته مطابق نظر ولیّ امر نباشد، در واقع صالح نخواهد بود. بر این مبنا، اعمالی مانند صلح یا جهاد با اینکه عنوان عمل صالح را یکدک می کنند، اگر در موقعیتی مطابق نظر امام نباشند، عمل صالح نخواهند بود. زینکاران و اهل خسران همان کسانی اند که در زمان دستور امام به جهاد، صلح را برمیگزینند و در وقت فرمان امام به صلح، به دنبال جهادند. تاریخ در این زمینه، خوارج بسیاری را به چشم دیده است که اندک بهره‌ای از عمل صالح نداشته‌اند.

## ۱۲. آیه ایمان به نور

مَعَاشِرَ النَّاسِ آمَنُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ ﴿مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا﴾<sup>۲</sup> مَعَاشِرَ النَّاسِ النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي تَمِّمْ مَسْلُوكٍ فِي عَلِيٍّ تَمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ...<sup>۳</sup>

۱. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.

۲. نساء، ۴۷.

۳. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.



ای مردم، ایمان بیاورید به خدا و رسولش و نوری که با او نازل شده است، «پیش از آنکه چهره‌هایی را هلاک و نابود یا واژگونه کنیم!» ای مردم، پرتوی از سوی خداوند متعال در من نهاده شده است؛ سپس در علی و پس از او در نسل اوست تا مهدی قائم... .

در این عبارات، پیامبر اکرم ﷺ با اقتباس از آیه ۸ سوره مبارکه تغابن که می‌فرماید: ﴿فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ و نیز آیه ۴۷ سوره مبارکه نساء، یعنی ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَلُتَّابِ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهَ فَنَرَّذَها عَلَىٰ أَذْبَارِها أَوْ نَلْعَنَهمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ به معرفی نور ولایت و هدایت در نسل فرزندان معصوم خویش پرداخته‌اند، آن‌هم تا دامنه قیامت!

### ۱۳. اقتباس از آیه ارتداد

مَعَاشِرَ النَّاسِ أُذِرُّكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ الْأُولَىٰ وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمُوصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ.<sup>۱</sup>

ای مردم، شما را انذار می‌کنم که من رسول خدایم و پیش از من رسولانی بوده‌اند؛ پس اگر بمیرم یا کشته شوم، آیا شما مرتد می‌شوید؟ و هرکس به گذشته کفرش باز گردد، هرگز به خدا زبانی نرساند و خدا به زودی شاکران را پاداش خواهد داد. بدانید که علی، کسی است که خدا در این آیات او را به صبر و شکر توصیف کرده است.

۱. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۲.



پیامبر اکرم ﷺ با اشاره به آیه ۱۴۴ سوره آل عمران: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾، بزرگ‌ترین مانع پیشرفت اجتماعی دوران خود و امامت حضرت علی علیه السلام را جریان نفاق و ارتداد و تمرد معرفی می‌کند.

### ۱۴. آیه جایگاه منافقان

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُمْ وَ أَنْصَارُهُمْ وَ اتَّبَاعُهُمْ وَ أَشْيَاعُهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ<sup>۱</sup>

ای مردم، همانا منافقان و یاران و پیروان و طرفدارانشان در پایین‌ترین طبقات دوزخ‌اند.

این عبارت از خطبه غدیریه که در آن، پیامبر ﷺ منافقین و جریان ممتد تاریخی آن‌ها، یعنی پیروان و طرفدارانشان را نفرین کرده و مشمول لعن و عذاب الهی قرار داده‌اند، اشاره‌ای دارد به آیه ۱۴۵ سوره نساء که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيراً﴾.

۱. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۲.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال. ج ۲ و ۱، ج ۲، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، التحصین لأسرار ما زاد من کتاب الیقین، به تحقیق و تصحیح اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، ج ۱، قم: مؤسسه دار الکتب، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۴، ج ۱، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۵. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (مدظله العالی): [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
۶. جر، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه و تصحیح سید حمید طیبیان، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ج ۲۰، ۱۳۹۱ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، ادب: فنای مقربان، به تحقیق و تنظیم محمد صفایی، ج ۱، چ ۳، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۲ش.
۸. خامنه ای، سید علی، انسان ۲۵۰ ساله (بیانات رهبر معظم انقلاب درباره زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین علیهم السلام)، تهران: مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۰ش.
۹. سبحانی تبریزی، جعفر، فروغ ولایت، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۹ق.
۱۰. شیخ صدوق (قمی)، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۲، ج ۲، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.



۱۱. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، به تحقیق و تصحیح محمد باقر خراسان، ج ۱، ۱، تهران: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهدج و سلاح المتعبد، ج ۲، ۱، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ ق.
۱۳. علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، به کوشش محمد بن حسین شریف الرضی، ترجمه محمد دشتی، ج ۱، قم: مشهور، ۱۳۷۹ ش.
۱۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج ۱، ۱، قم: رضی، ۱۳۷۵ ش.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۴، ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، به تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، ج ۳۷ و ۹۸، ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، به تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ج ۱، ۱، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. مفید، محمد بن محمد، الأمالی، به تحقیق و تصحیح حسین استادولی و علی اکبر غفاری، ج ۱، ۱، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. موسوی خمینی، سید روح الله، کتاب ولایت فقیه، کتاب الکترونیکی: [www.imam-khomeini.ir](http://www.imam-khomeini.ir)
۲۰. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، روحانیت و حوزه های علمیه از دیدگاه امام خمینی (س)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸ ش.

## مسابقه فرهنگی حاضران به غایبان برسانند

### توضیحات شرکت در مسابقه

\* پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

\* به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها به صورت یک عدد پنج رقمی از چپ به راست را، همراه با نام و نام خانوادگی خود، به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: حاضران به غایبان برسانند ۱۲۳۴۲ محمد عظیمی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی:

[www.razavi.aqr.ir](http://www.razavi.aqr.ir)

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

\* هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

\* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

\* قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱ - ۳۲۰۰۲۵۶۹

## پرسش‌ها

پرسش اول: پس از روز مبعث پیامبر اکرم ﷺ، برترین روز در تاریخ تمدن اسلامی و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام کدام است؟

۱. عید قربان      ۲. روز عرفه      ۳. عید غدیر خم      ۴. عید فطر

پرسش دوم: روز غدیر در کلام امام رضا علیه‌السلام چه نامیده شده است؟

۱. عید بزرگ خدا      ۲. روز انتشار علم      ۳. روز تهنیت و شادباش      ۴. گزینۀ ۳ و ۲

پرسش سوم: پیامبر اکرم ﷺ در خطبۀ غدیر با سه شیوه در پی بسترسازی برای پذیرش ولایت و اثبات امامت معصومین علیهم‌السلام بودند. در شیوۀ تبعدی، چگونه به تبیین موضوع انتصاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام به امامت از جانب خداوند و لزوم اعلام این مهم پرداخته‌اند؟

۱. با بیان فضایل منحصر به فرد حضرت علی علیه‌السلام

۲. با بشارت به پاداش بزرگ ولایت‌مداری

۳. با بهره‌گیری از آیات قرآن

۴. با اعلام خطر و عذاب برای ولایت‌گریزان

پرسش چهارم: کدام گزینه ناظر بر رسالت علمی و معرفتی غدیریان است؟

۱. معرفت‌شناسی غدیر به‌عنوان جریان تاریخی

۲. تلاش برای اجرای پیام غدیر در زندگی شخصی

۳. برپایی جشن‌های خانوادگی به مناسبت عید غدیر

۴. تلاش عملی برای حاکمیت بخشی احکام اسلام

پرسش پنجم: چرا در خطبۀ غدیریه از آیات ولایت اقتباس شده است؟

۱. مقبولیت عمومی قرآن میان همه فرقه‌ها و نحله‌های اسلامی

۲. ارائه ریشه‌های وحیانی موضوع امامت و ولایت

۳. بستن راه هرگونه سوءاستفادۀ منافقان و مخالفان ولایت

۴. همه گزینه‌ها

## پاسخ‌نامه مسابقه فرهنگی حاضران به غایبان برسانند

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: .....

تحصیلات: ..... استان: ..... شهر: .....

تلفن ثابت باکد شهر: ..... شماره همراه: .....

گزینه	۱	۲	۳	۴
پرسش				
اول				
دوم				
سوم				
چهارم				
پنجم				

## نظرسنجی کتاب حاضران به غایبان برسانند

ردیف	موضوع	بسیار خوب	خوب	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفیدبودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش‌ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادات و انتقادات: .....						
.....						
.....						

لبه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید

## پست جواب قبول



..... فرستنده:

.....

.....

..... کدپستی:

----- از این قسمت تا شود -----

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۲۵۱ - ۹۱۷۳۵